

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۲/۲۴

تاریخ تصویب: ۹۷/۰۸/۱۹

صفحات: ۱۶۰-۱۲۲

درآمدی بر نسبت فساد اقتصادی و توسعه سیاسی (با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران در سال‌های ۹۲-۶۸)

علی محمدی

دانشجوی دکتری تخصصی علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم سیاسی، تهران، ایران

دکتر علی اصغر زرگر*

استادیار علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم سیاسی، تهران، ایران

چکیده

پدیده فساد اقتصادی به مثابه استفاده غیرقانونی از قدرت و اختیارات دولتی به منظور تأمین منافع شخصی و گروهی از جمله آسیب‌های جدی ساختار اقتصادی کشورها به ویژه در کشورهای در حال توسعه می‌باشد. فساد مالی و اقتصادی از طرقی چون اختلال در روند کار بازارها و تخصیص مناسب منابع، ممانعت از وضع مقررات نظارتی، ایجاد انحصارات برای منافع شخصی، سوءاستفاده از منابع ملی، رشوه خواری، کاهش رشد اقتصادی و ... نقش مخربی را در فرآیند توسعه اقتصادی ایفا می‌کند؛ که با توجه به نظریات توسعه که در طول متن مورد بررسی قرار گرفته‌اند و نیز نظریه "توسعه متوازن" در آرا متفکرینی چون هانتینگتون این امر به عنوان مانعی اساسی در روند دموکراسی و توسعه سیاسی خواهد بود، که این موضوع را به طور خاص برای جمهوری اسلامی ایران در فاصله سال‌های ۹۲-۶۸ مورد بحث قرار داده‌ایم. در این مقاله در پی پاسخ به این سوال هستیم که چه نسبتی بین فساد اقتصادی و توسعه سیاسی برقرار می‌باشد؟ فرضیه ما این است که فساد اقتصادی از طریق تأثیر منفی بر توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی را با مشکلاتی عدیده مواجه می‌سازد.

کلید واژه‌ها: فساد اقتصادی، توسعه اقتصادی، توسعه متوازن، توسعه سیاسی، دموکراسی.

* نویسنده مسئول: Ali.zargar@iauctb.ac.ir

مقدمه

فساد همواره یکی از مشکلات جدی در ایران بوده است، از دیدگاه سازمان شفافیت بین‌الملل، ایران از نظر فساد داخلی در زمره فاسدترین کشورهای جهان قرار دارد، که البته با توجه به حجم کلان اقتصاد دولتی و انحصاری و رانتی، درجه پایین رقابت، عدم شفافیت و پاسخگویی، بوروکراسی پیچیده و ناکارآمد و ... حداقل در کوتاه مدت نیز نمی‌توان به بهبود شاخص‌های فساد در کشور امید چندانی داشت؛ چرا که پدیده فساد به طور عمیق با فعالیت‌های دولتی و کارآمدی آن گره خورده است.

دستاوردهای پژوهش‌های اخیر در زمینه توسعه حاکمی از این واقعیت است که فساد اقتصادی و سیاسی از بزرگترین موانع توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه می‌باشد. (لطفیان، ۱۳۸۵: ۱۸۸) می‌توان گفت که تأثیر منفی عمیق فساد اقتصادی به طور خاص بر روی رشد اقتصادی و در نتیجه توسعه اقتصادی خواهد بود. کاهش کارایی اقتصادی، تخصیص نادرست منابع و توزیع نامناسب درآمدها به همراه کاهش انگیزه‌های سرمایه‌گذاری در بلند مدت، بر روی رشد اقتصادی اثر منفی خواهد گذاشت. همچنین شیوع مفاسد اقتصادی در کشور می‌تواند عوارض و پیامدهای منفی بر تخصیص صحیح منابع داشته باشد. فساد اقتصادی، کار تخصیص منابع به وسیله دولت را فلج می‌کند و اولویتهای اساسی در طرح‌های ملی را به دست فراموشی می‌سپارد و فعالیت‌هایی اولویتهای می‌یابند که با منافع نامشروع متصدیان فاسد سازگاری داشته باشند. در این جا است که افراد به سمت فعالیت‌های غیر مولد می‌روند و تلاش در جهت دستیابی به درآمدهای فوری و سهل الوصول، به جای شکوفا شدن توانایی‌ها و استعدادها صورت می‌گیرد. و نیز از طریق کاهش درآمدهای دولتی، دولت در اجرای طرح‌های عمرانی، اساسی و زیربنایی و نیز پیشبرد برنامه‌های رشد و توسعه ناتوان خواهد شد.

آثار منفی و مخرب فساد اقتصادی بر رشد و توسعه اقتصادی بنا بر نظریات توسعه که در طول متن به تفصیل بدان‌ها پرداخته‌ایم، تأثیر خود را بر توسعه سیاسی نیز آشکار خواهد کرد.

در پژوهش حاضر در پاسخ به سوال چگونگی نسبت فساد اقتصادی و توسعه سیاسی، در ابتدا به تعریف فساد اقتصادی، علل و عوامل مؤثر بر گسترش آن پرداخته و پس از بیان عمده‌ترین مصادیق فساد سیاسی و اقتصادی و تحلیل نظریات شاخص توسعه سیاسی، رابطه فساد اقتصادی را با دموکراسی، قوه قضائیه، دولت، احزاب، مطبوعات، ساختار سیاسی کشور، انحصار و رانت خواری، شایسته سالاری و... واکاوی نموده‌ایم تا ضمن بیان آن‌ها تأثیر منفی

❖ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷

فساد اقتصادی بر توسعه سیاسی را در کشور یادآوری کرده باشیم. در پایان نیز به مصادیقی از وقایع فساد اقتصادی در فاصله سال‌های ۹۲-۶۸ اشاره داشته‌ایم.

فساد اقتصادی

پژوهشگران، فساد مالی را به عنوان یک رابطه خاص حکومت - جامعه تعریف کرده و بین «فساد سیاسی» و فساد اداری و نیز فساد کارکردی و فساد ناکارکردی تفاوت قائل می‌شوند و فساد مالی را به عنوان یک سازوکار «نشست از بالا»، «یا توزیع مجدد رو به پایین» دسته‌بندی کرده‌اند. اما از لحاظ هم‌نشینی فساد قدرت با فساد مالی، عملاً این دو مفهوم به هم نزدیک گشته و حالتی جدایی‌ناپذیر پدید آورده‌اند. علاوه بر محافل آکادمیک، دولت‌ها و مجامع بین‌المللی نیز برای دستیابی به یک تعریف و مفهوم منسجم تلاش‌هایی را صورت داده‌اند. بانک جهانی نیز فساد مالی را «سوء استفاده از قدرت و اختیارات دولت به منظور تأمین منافع شخصی» تعریف کرده است. (ربیبی، ۱۳۸۳، ۲۸-۲۹) در رایج‌ترین تعریف از فساد اقتصادی که بیشترین استفاده را دارد، فساد اقتصادی به معنی استفاده غیر قانونی از اختیارات اداری برای نفع شخصی است. (حیبی، ۱۳۷۵: ۱۴)

علل فساد

گسترده‌گی بوروکراسی و دولت حجیم، دولت نفتی با منابع بسیار و غیرمبتنی بر مالیات، عدم شفافیت قوانین، عدم شفافیت مالی و پاسخگونی بودن سازمان‌های بزرگ اقتصادی، تغذیه مالی نهادهای متعدد و ثروتمند غیرمولد از محل بودجه عمومی، کمبود نظارت عمومی از طریق مطبوعات آزاد و مجلس قدرتمند، انحلال سازمان‌های تصمیم‌ساز و ناظر از قبیل سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و شوراهای عالی، کمبود استفاده از تکنولوژی اطلاعات، وضعیت اضطراری و برخورد امنیتی با حوزه اقتصاد و غلبه تعهد در ایران از علل فساد می‌تواند باشد. ایران در تاریخ معاصر خود، شاهد مفاسد مالی و اقتصادی بسیاری بوده است، حکومت‌های فاسد و مستبد، با سوءاستفاده‌های مالی هر آنچه خواستند با ملت ایران کردند، مقام و مشاغل بالای دولتی، ثروت کلانی به همراه داشته و بسیاری با دادن رشوه، به مقام‌های دولتی و حکومتی دست می‌یافتند و بدین ترتیب، مسیر فساد و بهره‌برداری‌های خاص را در جهت منافع شخصی

می‌پیمودند.

به طور کلی موارد زیر را می‌توان مهمترین عوامل پیدایش و گسترش فساد تلقی کرد: (محمودی، ۱۳۸۲: ۲۴۲-۲۴۱) ۱- انحصار قدرت و دسترسی به اطلاعات رانتهی ۲- شفاف نبودن نظام بودجه بندی ۳- ضعف شایسته سالاری ۴- نبود نظام تأمین اجتماعی ۵- کمبود نیروهای کارآمد و کاردان در بخش دولتی

عوامل مؤثر بر گسترش فساد اقتصادی

متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مؤثر بر عرضه و تقاضای فساد عبارتند از:

- ۱- سطح اخلاق عمومی و وجدان کار ۲- میزان مداخله دولت در فعالیتهای اقتصادی ۳- سطح حقوق و مزایای کارمندان ۴- احتمال کشف فساد اداری ۵- شدت تنبیهات قانونی برای مرتکبین فساد اداری ۶- شدت تعهدات و علایق خانوادگی و خویشاوندی ۷- شدت گسترش و شیوع فساد اداری ۸- دامنه فعالیتهای نظارتی و تنبیهی دولت ۹- شدت کاغذبازی و سنگ اندازی در نظام اداری

راهکارهای پیشگیری از فساد اقتصادی

فساد اقتصادی دارای عواملی است که در دو گفتار عوامل فردی و عوامل محیطی به بررسی آنها خواهیم پرداخت. در عوامل فردی به بررسی عامل زیستی و عامل روانی و در عوامل محیطی به بررسی محیط اقتصادی و محیط فرهنگی خواهیم پرداخت.

الف- عوامل فردی

این عوامل را به عامل زیستی و روانی تقسیم می‌کنیم و هر یک را جداگانه بیان می‌کنیم.

۱- عوامل زیستی

عوامل زیستی یعنی نقش و تأثیر سن، جنس، نژاد، رنگ، یا به عبارت دیگر ژن یا نقش عواملی که در فیزیولوژی ساختمان بدن تأثیر گذارند در ارتکاب جرم.

۲- عامل روانی

یکی دیگر از علل ارتکاب فساد اقتصادی عامل روانی است. مضمولان این عامل، از نظر

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷

اجتماعی و روانی افراد محترم جامعه هستند، در جامعه حل شده‌اند، توانایی سازگاری‌شان بالا و تمایلات مجرمانه‌شان زیاد است. می‌توانند خوب مرتکب جرم شوند، رقم سیاه بزهکاری این دسته از افراد، بسیار زیاد است.

می‌توان گفت که بزهکار اجتماعی خود محور است و معیار خوب و بد خود او است و زمانی که در موقعیت مدیر شرکت قرار می‌گیرد، همه چیز را حل و فصل می‌کند، منافع خود را بر منافع جامعه ترجیح می‌دهد و در چنین شرایطی موانع وجدانی درونی و اخلاقی در او کارساز نیست و اموال شرکت را اموال خود می‌داند. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴، ۱۴۸)

ب- پیشگیری اجتماعی از فساد اقتصادی

مقام معظم رهبری در فرمان هشت ماده‌ای مورخ ۱۳۸۰/۲/۱۰ در امر مبارزه با مفاسد اقتصادی که به سران سه قوه ابلاغ نمودند، به پیشگیری اجتماعی اشاره داشتند. ایشان در این زمینه به انتخاب قضات قاطع، پاکدامن، شجاع و عالم اشاره فرمودند.

فرمان هشت ماده‌ای ایشان نوعی منشور اخلاقی برای حکومت جمهوری اسلامی ایران است که تبعیت از آن الزام‌آور است چرا که در راستای اعمال اصل یکصد و ده قانون اساسی است. اگر انسان از انحرافات اجتماعی و اقتصادی خود را دور نکند ممکن است خطراتی او را تهدید کند شده است در دین اسلام به پیشگیری اجتماعی توجه ویژه‌ای نمودند و به آن اهمیت بیشتری داده‌اند؛ به گونه‌ای که در همین راستا، مواردی همچون تقوی، فروتنی توانگران در برابر مستمندان برای به دست آوردن پاداش الهی و نیز خویشتن‌داری مستمندان در برابر توانگران، با توکل به خداوند، عفت ورزیدن، شکرگذاری و بخشش، رضایت و خشنودی، شکیبایی، دانش ورزی و رازداری به عنوان ارزش‌های اخلاقی و مواردی همچون خودپسندی، خفتن عقل و طمع ورزی، تحت عنوان ضد ارزش‌ها تبیین گشته و مردم به ارزش‌های اسلامی دعوت شده‌اند.

از جمله عوامل مؤثر در پیشگیری اجتماعی تاکید مقام معظم رهبری بر الزام اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی به ارایه پاسخ به مقامات و جایگاه‌های پیش‌بینی شده در نظام حکومتی و قانونگذاری، قضایی و اداری، مستندسازی و شفاف‌سازی فعالیت‌ها و تصمیمات اقتصادی و ارایه پاسخ متقابل به یکدیگر در چارچوب قوانین مدون و مشخص است.

(نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴، ۱۴۸)

ج- پیشگیری در مقررات ملی و فراملی

اصل ۱۴۲ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «دارایی رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می‌شود که برخلاف حق، افزایش نیافته باشد.» مجری اصل مذکور رئیس محترم قوه قضائیه است و در حوزه ریاست محترم قوه دفتر اصل ۱۴۲ قانون اساسی تأسیس شده و امیدواریم نتیجه فعالیت و اقدامات برای عامه مردم منتشر شود.

اصل ۱۴۷ قانون اساسی نیز مقرر می‌دارد: «هر گونه بهره‌برداری شخصی از وسایل و امکانات ارتش و استفاده شخصی از افراد آن‌ها به صورت گماشته، راننده شخصی و نظایر این‌ها ممنوع است.» هم‌چنین اصل ۱۴۱ قانون اساسی نیز تصدی بیش از یک شغل را ممنوع می‌داند. در همین راستا قانون تصدی بیش از یک شغل در سال ۱۳۷۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.

قانون استخدام کشوری نیز جذب و به کارگیری نیروهای متخصص، و کاردانی و شایسته‌سالاری در تمامی رده‌های مدیریتی، کارشناسی و سایر موارد، جلوگیری از خویشاوندسالاری، جلوگیری از هم‌محلی‌سالاری، هم‌شهری‌سالاری، هم‌استانی‌سالاری و هم‌مذهب‌سالاری در نظام اداری را عامل پیشگیری از فساد و همچنین موجب جلب رضایت توده‌های مردم به حاکمیت می‌داند.

ماده ۸ کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مقابله با فساد چنین بیان می‌دارد:

بند ۱- هر کشور عضو به منظور مبارزه با فساد، طبق اصول اساسی نظام حقوقی خود یکپارچگی، صداقت و مسؤولیت را در بین مقامات دولتی خود ارتقاء خواهد داد.

بند ۲- هر کشور عضو به ویژه تلاش خواهد نمود تا در چهارچوب نظام حقوقی و سازمانی خود مقررات یا استانداردهای رفتاری را برای اجرای صحیح، آبرومندانه و مناسب عملکردهای دولتی به کار برد.

بند ۶- هر کشور عضو طبق اصول اساسی قانون داخلی خود، اقدامات انضباطی و غیره را در مورد مقامات دولتی‌ای که ضوابط یا مقررات وضع شده براساس این ماده را نقض می‌کند، مدنظر قرار خواهند داد.

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷

از دیدگاه پیشگیری اجتماعی، کارمندان دولتی یا مقامات کشوری باید افرادی متعهد، دلسوز، تلاش‌گر و ایثارگر نباشند؛ بر هوای نفس خود غلبه کنند، انضباط اداری و مالی را رعایت کنند، امین و امانتدار باشند، لقمه حرام نخورده باشند، چشمانش به اموال دیگران نباشد، خدا ترس باشند، گرایش‌های حزبی و سیاسی را مورد لحاظ قرار ندهند، واقعاً مردم‌سالاری را وفق موازین اسلام و قانون رعایت کنند، از گروه‌گرایی پرهیز کند و در عزل و نصب اداری یا مالی به صورت گروهی عمل نکنند.

بسیاری از کشورهای به منظور کشف و پیگیری و مبارزه با فساد اداری جداگانه و اکثراً مستقلی ایجاد کرده‌اند. در برخی کشورها این ادارات هیچگونه وابستگی اداری و مالی به قوه مجریه و حتی اداره پلیس ندارند و کاملاً مستقل عمل می‌کنند. در سایر کشورها ادارات مبارزه با فساد در درون اداره پلیس و یا شهرداری‌ها تشکیل شده‌اند. چرا دولت‌ها با فساد اداری مانند سایر قانون شکنی‌ها برخورد نمی‌کنند و برای رویارویی با آن نهادهای جداگانه‌ای ایجاد می‌کنند؟

دو دلیل مهم برای این اقدام وجود دارد. اولاً تخلفات اداری در برخی موارد بسیار پیچیده هستند و کشف آن‌ها به تخصص‌های ویژه‌ای نیاز دارد. وجود یک اداره مستقل برای مبارزه با فساد سبب انباشت تجربه و تخصص‌های موردنیاز می‌گردد و در نتیجه به مرور زمان کارایی این واحد در امر مبارزه با فساد افزایش می‌یابد. ثانیاً استقلال این ادارات جلوی اعمال نفوذ مسئولین در تحقیقات آن‌ها را خواهد گرفت. بدون استقلال کافی این نهادها، مبارزه با فساد در رده‌های بالای دولت ناموفق خواهد بود. در عین حال حتی در مواردی که این ادارات زیر نظر قوه مجریه فعالیت می‌کنند فعالیت‌های آن‌ها در راه تجسس و جمع‌آوری و اطلاعات نقش مهمی را در کشف موارد فساد ایفا می‌کند. (Palmier, ۱۹۷۵p.۵۷۷)

فساد اقتصادی چگونه روی می‌دهد؟

فساد اقتصادی در یکی از چهار شکل زیر روی می‌دهد:

فساد جهت تصفیه بازار از رقبا

و این در حالی است که حکومت بخواهد مجوز، امتیاز، دارایی یا پروژه‌ای را به تعداد کمتری از متقاضیان موجود واگذار کند. در این وضعیت خریدار برای حذف رقبا و استفاده از منافع مجوز،

امتیاز، دارایی، یا پروژه مورد واگذاری حاضر می‌شود رشوه موردنظر را به مسوول مربوطه پردازد. استفاده از وام‌های دولتی کم‌بهره، برنده‌شدن در مناقصات دولتی، اخذ مجوزهای واردات یا صادرات کالاها، دریافت ارز با نرخ دولتی یا مبادله‌ای، اخذ مجوزهای کاری از قبیل مجوز تاسیس دفاتر نمایندگی سازمان‌های حکومتی (پلیس +۱۰، خدمات الکترونیک و...)، مجوز موسسات آموزش عالی و دانشگاه‌های غیردولتی، مجوز تاسیس موسسات فرهنگی و هنری، امتیاز خرید و فروش نفت و محصولات نفتی و پتروشیمی، مزایده‌های فروش اموال حکومت اعم از شرکت‌ها و املاک مثال‌هایی از فضاهاست مستعد برای این گونه فساد هستند.

فساد جهت کاهش هزینه‌ها

افراد و شرکت‌ها بنا بر دارایی‌ها و فعالیت‌های تجاری‌شان موظف به پرداخت مبالغی در قالب بیمه، مالیات، عوارض نوسازی و پایان کار و مواردی از این قبیل به دولت هستند، پرداخت میزانی از این مبالغ به عنوان رشوه به متصدی یا متصدیان مربوطه در ازای کاهش اصل یا جریمه مبلغ اصلی یکی از اشکال رایج و گسترده فساد اقتصادی در ادارات است.

فساد جهت تسریع خدمات

این شکل از فساد اقتصادی شامل مواردی است که عموم ما به صورت روزانه با آن روبه‌رو هستیم. برای به نتیجه رسیدن یک درخواست قانونی و روشن با حجم زیاد کاغذبازی و فرآیند طولانی اداری یا صف طولانی متقاضیان واقعی یا مورد ادعای متصدی مربوطه روبه‌رو می‌شویم. در این وضعیت ممکن است تعدادی از متقاضیان حاضر باشند برای دریافت خدمت موردنظر خود در زمان مناسب رشوه پرداخت کنند.

فساد جهت تامین امنیت فعالیت غیرقانونی

کسب و کارهای غیرقانونی، گروه‌های تبهکاری و مجرمان حاضرند برای تأمین امنیت فعالیت‌ها یا کاهش محکومیت‌هایشان به مراجع مربوطه رشوه پرداخت کنند. شاید مطالعه مواردی از اخبار فساد در رسانه‌ها را به خاطرتان آورده باشد یا به یاد مواردی افتاده باشید که خودتان یا نزدیکانتان در زندگی روزمره با آن روبه‌رو شده‌اید، مواردی که احتمالاً کم‌تعداد

نیستند.

شیوع مفاسد اقتصادی در کشور می‌تواند عوارض و پیامدهای اقتصادی بسیاری را به همراه داشته باشد؛ از جمله:

آثار منفی فساد اقتصادی بر تخصیص صحیح منابع

فساد اقتصادی، کار تخصیص منابع به وسیله دولت را فلج می‌کند و اولویتهای اساسی در طرح‌های ملی را به دست فراموشی می‌سپارد و فعالیت‌هایی اولویت می‌یابند که با منافع نامشروع متصدیان فاسد سازگاری داشته باشند. در این جا است که افراد به سمت فعالیت‌های غیر مولد می‌روند و تلاش در جهت دستیابی به درآمدهای فوری و سهل‌الوصول، به جای شکوفا شدن توانایی‌ها و استعدادها صورت می‌گیرد.

آثار منفی فساد اقتصادی بر توزیع صحیح درآمدها

این اقدام از طریق کاهش درآمدهای دولتی پدید می‌آید و این کاهش توانایی، باعث می‌شود دولت در اجرای طرح‌های عمرانی، اساسی و زیربنایی و نیز پیشبرد برنامه‌های رشد و توسعه ناتوان شود. الگوی نادرست درآمدها باعث رواج نابرابری‌ها و اختلاف‌های شدید طبقاتی می‌شود و در بلندمدت از تحقق عدالت اجتماعی جلوگیری خواهد کرد. در این جا است که اقشار ضعیف و کم درآمد، از مزایای رفاه اجتماعی کم‌ترین بهره را خواهند داشت؛ در توزیع درآمدها جایگاهی ندارند و سرمایه‌گذاری‌های دولتی به نفع این گروه نخواهد بود.

آثار منفی فساد اقتصادی بر کارایی اقتصادی

فساد بیشتر، کارایی فعالیت‌های اقتصادی را از طریق توجه به اعمال فاسد می‌کاهد و کاهش کارایی، به فساد بیشتر خواهد انجامید و بین کاهش کارایی و افزایش فساد اقتصادی دور باطلی ایجاد می‌شود که نتیجه آن، حاکمیت گسترده فساد و عوارض ناشی از آن و شکل‌گیری انگیزه‌های فاسد است.

آثار منفی فساد اقتصادی بر رشد اقتصادی

می‌توان گفت که تأثیر منفی عمیق فساد اقتصادی، بیشتر و بر روی رشد اقتصادی و در نتیجه توسعه خواهد بود. کاهش کارایی اقتصادی، تخصیص نادرست منابع و توزیع نامناسب درآمدها به همراه کاهش انگیزه‌های سرمایه‌گذاری در بلندمدت، بر روی رشد اقتصادی کشور اثر منفی خواهد گذاشت. که پیامدهای اقتصادی شیوع فساد اقتصادی در کشور ما می‌تواند به منظور مبارزه با فساد اقتصادی و پیامدهای آن یکی از موانع رشد و توسعه باشد.

عمده‌ترین مصادیق فساد سیاسی و اقتصادی

فساد و جرائم اقتصادی موجب بروز فقر، محرومیت و عقب ماندگی می‌شود. مهمترین مفاصد و جرائم اقتصادی یا رائم یقه سفیدان عبارتند ۱- دریافت غیرمجاز تسهیلات بانکی ۲- عدم ایفای تعهدات پس از دریافت تسهیلات بانکی؛ ۳- تبانی و اهمال در نظارت بر اعطای تسهیلات بانکی و کنترل بر عدم انحراف آن‌ها؛ ۴- پولشویی؛ ۵- رشاء و ارتشا؛ ۶- اختلاس نزد مدیران ارشد دستگاه اداری ۷- دخالت در معاملات دولتی، مناقصه‌ها و مزایده‌ها؛ ۸- تبانی و تقلب در پرداخت حقوق و عوارض گمرکی؛ ۹- دریافت پورسانت در معاملات دولتی؛ ۱۰- فرار مالیاتی ۱۱- عدم دریافت مالیات و سایر حقوق دولت از مؤدیان مالیاتی؛ ۱۲- بهره‌برداری از اطلاعات موجود در بخش دولتی به نفع شخص در راستای فعالیت‌های اقتصادی؛ ۱۳- تصرف غیرقانونی در اموال دولتی ۱۴- تقلب و تبانی در گشایش اعتبارات ارزی (دادگر، ۹۱:۱۳۸۲ و صنیعی، ۸:۱۳۹۵)

فساد مالی و اقتصادی همچنین از طرق مختلفی بر اقتصاد و متغیرهای اقتصادی تأثیرگذار است. (ادیب پور، ۴:۱۳۹۵) فساد مالی، روند کار بازارها و تخصیص منابع را مختل می‌کند. افزون بر این توان دولت را برای وضع مقررات کنترلی و نظارت‌های مورد نیاز برای اصلاح نقایص بازار کاهش می‌دهد. در صورتی که دولت نتواند نقش نظارتی خود را در اقتصاد ایفا کند، بی‌تردید بخشی از فلسفه وجودی خود را از دست می‌دهد. از طرف دیگر، چنانچه دولت یا دولتمردان برای سوءاستفاده و با هدف منافع در امور دخالت کنند، مانند ایجاد انحصارات دولتی برای منافع شخصی، خود به خود بر میزان مشکلات و کاستی‌ها افزوده می‌شود. (زال پور و همکاران، ۱۳۸۱) فساد مالی باعث کاهش درآمدها و افزایش هزینه‌های دولتی می‌شود که در پی آن کسری بودجه دولت افزایش می‌یابد و دولت نمی‌تواند برنامه ریزی مالی جامع و درستی داشته باشد.

فساد مالی نابرابری در درآمدها را نیز افزایش می‌دهد؛ زیرا به افرادی که موقعیت مناسبی برای سوءاستفاده و رشوه خواری دارند، امکان می‌دهد به قیمت ضایع کردن حقوق دیگران، به تأمین منافع خود بپردازند. شواهد و مدارک محکم نشان می‌دهند که بخشی از تغییرات توزیع درآمد در سال‌های اخیر به ویژه در کشورهایی که پیش از این دارای اقتصاد متمرکز بوده‌اند ناشی از خلاف قانون و مفاسدی نظیر خصوصی‌سازی است. (زال پور و همکاران، ۱۳۸۱) فساد موجب از بین رفتن کارآفرینی می‌شود، چرا که افراد توانمند و خلاق در فضایی که فساد مالی زیاد باشد، ترجیح می‌دهند انرژی و توان خود را صرف کارهای خلاف و رانت‌جویی کنند و کمتر به فعالیت‌های سازنده و مؤثر روی آورند. (دادگر و معصومی‌نیا، ۱۳۸۳)

توسعه سیاسی

"توسعه" در کلی‌ترین کاربرد آن، یکی از صورت‌های خاص تغییر و دگرگونی است. توسعه، تغییر هدف دار برای حصول به هدفی خاص است. جامعه به مثابه فرد مراحل گوناگونی از رشد و تکامل را طی می‌کند تا به حد مشخصی از بلوغ فیزیکی و فکری برسد. (نصیری، ۱۳۷۹:۲۲)

عناصر کلیدی توسعه سیاسی را بیشتر حول سه محور مردم، سیستم سیاسی و سازمان حکومت دسته‌بندی می‌کنند. یعنی توسعه سیاسی حول هر کدام از این سه محور تعریف خاص خود را دارد. در ارتباط با مردم، یعنی تغییر از وضعیت پراکندگی وسیع مردم به نوعی انسجام در حال گسترش از شهروندان فعال. در ارتباط با عملکرد سیستماتیک دولت و بخش عمومی، یعنی گسترش ظرفیت سیستم سیاسی برای اداره امور عمومی، کنترل اختلافات و برآمدن از عهده تقاضاهای عمومی. در ارتباط با سازمان حکومت، یعنی افزایش تمایز ساختاری و تخصصی‌تر شدن کارکردها و متمرکزتر شدن همه سازمان‌ها نهادهای مشارکت کننده. (امین زاده، ۱۳۷۶:۱۰۵)

توسعه سیاسی تبلور شکل‌گیری قالب فکری جدید که در آن فرآیندی نهادین از حرکت پیشرونده ولی متعادل، خواه افزایش و با ثبات سیاسی ایجاد می‌شود که در آن یک جماعت انسانی سیاسی به سوی مشارکت فعالانه سیاسی شهروندان خود داوطلبانه، آگاهانه و عاقلانه گام بردارد تا برای کلیه مشکلات مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خود را از لحاظ سیاسی با همدلی و به طور غیر خشونت‌آمیز راهجویی مدبرانه و پایا داشته باشند. (سیف‌زاده: ۱۳۷۵، ۷۵)

وهادیان: ۱۳۸۲، ۷۵)

در ادبیات مربوط به توسعه "دگرگونی" به هرگونه تغییری در وضع و شرایط موجود اطلاق می‌گردد. بر این اساس، دگرگونی اجتماعی هر نوع تغییری در ساختارها و روابط اجتماعی را در بر می‌گیرد و دگرگونی اقتصادی بر هرگونه تغییری در الگوهای تولید یا توزیع دلالت می‌کند. در حالی که دگرگونی سیاسی به تحول در رهبری سیاسی، فرآیندها و یا نهادهای موجود مربوط است. اما در هر نوع از دگرگونی این نکته دارای اهمیت است که هیچ یک از آن‌ها دارای بار ارزشی نیستند و خود به تنهایی نه مطلوب، و نه نامطلوب تلقی نمی‌شوند بلکه صرفاً بیانگر تفاوت میان وضع کنونی و گذشته هستند.

در ادبیات توسعه سیاسی، این اصطلاح گاهی هم به معنای نوسازی سیاسی تلقی می‌شود. کابریل آلموند و جیمز کلمن نوسازی سیاسی را فرآیندی می‌دانند که به موجب آن نظام‌های سیاسی سنتی غیرغربی ویژگی‌های جوامع توسعه یافته را کسب می‌کنند. از نظر این دو نویسنده ویژگی‌های مزبور عبارتند از: جاذبه شهرگرایی، بالابودن سطح سواد و درآمد، وسعت جغرافیایی و اجتماعی، میزان نسبتاً بالای اقتصاد صنعتی، توسعه شبکه‌های ارتباط جمعی و مشارکت همه جانبه اعضای جامعه در فعالیت‌های سیاسی و غیرسیاسی (هادیان، ۱۳۸۲، ۷۵).

رهیافت‌هایی بر فهم توسعه سیاسی

بر اساس آنچه بحث شد و بر اساس حجم گسترده و گاه متناقض مطالعات گزینش یک رهیافت منطقی برای درک توسعه سیاسی، به عنوان یک پدیده استثنایی و مهم برای مطالعه، می‌تواند از دیدگاه‌ها و نقطه نظرات متفاوت یا کاملاً متمایزی صورت گیرد. گستردگی دامنه این گوناگونی، از مطالعات کلاسیک لیپست، که در آن توسعه اقتصادی به عنوان شرط لازم توسعه در هر نوع آن دیده شده است، تا آنچه که اخیراً توسط بیل هاردگرو طرح شده است، را در بر می‌گیرد. متفکرین اخیر الذکر توسعه سیاسی را مساوی با تغییر مستمر نهادها می‌بینند. لازم به اشاره است که مطالعات لیپست به عنوان مرجع و منبع جامعی برای مطالعه به حساب نخواهند آمد، چرا که توسعه سیاسی را صرفاً به توسعه اقتصادی محدود می‌سازد. و همین طور است درباره مطالعاتی که به پیروی صرف از کشورهای توسعه یافته صنعتی توصیه می‌کنند. (گلدوزیان، ۱۳۹۱)

در اینجا صرفاً به عنوان نگاهی مقدماتی و در اجمالی‌ترین شکل ممکن به انواع رویکردها در فهم توسعه سیاسی اشاره می‌شود، برگزیدن یک نگاه یا ترکیبی از این نگاه‌ها یا تکیه بیشتر بر یکی از آن‌ها با توجه به مسائل متفاوت هر جامعه، کاری است که باید در آن تامل کرد. از مشکلات جوامع توسعه نیافته این است که با غفلت از زمینه‌های محیطی، تاریخی و اجتماعی خود از یک سو و ارزش‌ها و عقاید تشکیل‌دهنده فرهنگ سیاسی خاص خود از سوی دیگر، یکی از الگوها را بدون نگاه جامع به همه مولفه‌ها به طور مطلق پذیرفته و دنبال می‌کنند. آن‌ها نه به زمینه‌های تاریخی کشورهای الگو و نه به زمینه‌های تاریخی کشور هدف، توجه جامع دارند و نه در طرح‌های توسعه خود همزمان به تغییر ارزش‌ها، عقاید و دیدگاه‌ها توجه می‌کنند.

به نظر می‌رسد الگوی توسعه سیاسی در ایران باید توسط متفکرین ایرانی و با توجه به همه مولفه‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه با رویکردی جامع که تحولات بنیادین در ساختارها و فرهنگ سیاسی را در پی داشته باشد، طراحی شود.

حداقل می‌توان پنج رویکرد را برای درک توسعه سیاسی مشخص نمود:

۱- نوسازی سیاسی: نموده‌های اصلی این رویکرد در آثار و اندیشه‌های آلموند، وربا و پاول تجلی یافت (همزمان با اوج مطالعات رفتارگرایی دهه پنجاه و شصت). آن‌ها در مطالعات خود بر روی فرهنگ سیاسی تأکید کردند.

دو بال اصلی نوسازی سیاسی:

(۱) تفکیک و تخصصی کردن ساختارها و

(۲) ایجاد تحول و نوسازی در فرهنگ سیاسی.

بر این اساس، توسعه سیاسی پس از نوسازی سیاسی امکان می‌یابد. آلموند در راستای نظام‌مند کردن مطالعات خود بر فرهنگ سیاسی، رویکردهایی از دیگر نظام‌های علوم اجتماعی چون جامعه‌شناسی، روانشناسی و انسان‌شناسی را گرد هم آورد و در مطالعاتش از آن‌ها بهره برد. او مطالعات نظام‌مندی در توسعه سیاسی و فرهنگ سیاسی پدید آورد که در این رهگذر به سیاست در کشورهای در حال توسعه نیز پرداخت. او با همکاری وربا به مفهوم فرهنگ سیاسی مردم یک جامعه و نقش و تاثیر آن در گزینش، جهت‌گیری و نوع حکومت، تعمیم بخشید. مولفه‌های نوسازی اجتماعی و سیاسی و به تعبیری کاربردی‌تر، شاخص‌هایی در تعیین سطح توسعه سیاسی، ارائه شده توسط آلموند و پاول شامل این موارد می‌گردد: سکولاریزاسیون (فرآیندی در تغییر فرهنگ سیاسی مردم و توجه به روابط علت و معلولی و...)، تفکیک (تفکیک

ساختارها و نقش‌ها و هر چه تخصصی‌تر شدن آن دو، توسعه سیاسی و ظرفیت سیاست (ساختارهای منفک و فرهنگ سیاسی سکولار دارای یک ظرفیت و توانایی فزاینده در شکل‌دهی محیط‌های داخلی و بین‌المللی می‌باشند)، چالش‌های اجتماعی در جریان نوسازی و توسعه سیاسی (نوسازی سیاسی لزوماً برابر با توسعه سیاسی نیست)، چالش‌های پنجگانه‌ای وجود دارند که فرهنگ و ساختار را تحت فشار قرار می‌دهند که باید به آن‌ها در برنامه توسعه سیاسی توجه ویژه داشت: اول، مساله کشورسازی، با توجه به مسائل نفوذ و انسجام ملی، دوم ملت‌سازی، با توجه به مسائل تعهد و وفاداری به کشور و هویت ملی، سوم مشارکت با توجه به مساله فشار برای مشارکت، چهارم، مساله اقتصادسازی با توجه به مساله تقاضا برای افزایش ظرفیت تولید، پنجم مساله توزیع با توجه به فشار برای باز توزیع درآمد، ثروت، فرصت و عزت. (و بر، ۱۳۷۳: ۶۷)

۲- نهادپذیری سیاسی: به نظر هانتینگتون، نهادپذیری سیاسی فرآیندی است که سازمان‌ها و فرآیندهای سیاسی براساس سه جفت معیار معین، ارزش و ثبات حاصل کنند: ۱- قابلیت تطبیق - تصلب، ۲- پیچیدگی - بساطت و ۳- آزادی عمل - تبعیت. هنگامی که سازمان‌ها و فرآیندهای سیاسی مطابق اولین جزو هر یک از سه جفت اصطلاح مذکور، تحول یابند، به نهاد تبدیل شده‌اند. در نتیجه هنگامی که فرآیند سیاسی در مسیر اولین جزو هر جفت گام بر می‌دارد، توسعه سیاسی به وقوع می‌پیوندد. بنابراین حضور نهادهای سیاسی در تحقق مطالبات و منافع مردم توانا خواهد بود. همین معیار است که جوامع از نظر سیاسی، توسعه یافته را از جوامع توسعه نیافته متمایز می‌سازد.

۳- ساخت دموکراسی: طبق نظر لوسین پای، یکی از روش‌های ساده برای درک توسعه سیاسی، در فرآیند اقتدا و پیروی از ساختارها و فرآیندهای موجود در دموکراسی‌های صنعتی غرب قرار دارد. به طور خلاصه او در اینجا به کپی برداری از آنچه که در کشورهای صنعتی توسعه یافته واقع شده است، توصیه می‌کند.

۴- تغییر (تبدیل) پیوسته: بر طبق نظر بیل و هاردگریو، توسعه تمام عیار نظام سیاسی به رابطه میان نهادپذیری سیاسی و مشارکت سیاسی، وابسته است. با افزایش مشارکت، ظرفیت نهادهای سیاسی باید افزایش یابند، تا قادر به کسب حفظ و ثبات باشند. این روند تغییر یا تطبیق‌پذیری پیوسته، توسعه سیاسی خوانده می‌شود. به تعبیری دیگر نهادپذیری پیوسته بدون روند مشارکت‌پذیری پیوسته و همسان، نوعی رجعت را در پی خواهد داشت.

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷

۵- نوسازی به علاوه نهاد پذیری سیاسی: برای جاگورید، توسعه سیاسی برابر است با مجموعه دو دیدگاه نوسازی و نهاد پذیری سیاسی. مبتنی بر این نظریه وی معتقد است که سه متغیر توسعه سیاسی وجود دارند: (الف)، کارآمدی و کفایت نظام سیاسی همپای کار آمدی و کفایت نظام‌های فرعی اجتماعی، (ب)، یاری نظام سیاسی به توسعه اجتماعی، یعنی، کاربرد وسایل سیاسی برای توسعه اجتماعی، (ج)، توسعه قابلیت پذیرش نظام سیاسی از طریق توسعه اجماع سیاسی، حداکثر نظام نمایندگی و مشروعیت اجتماعی. (گلدوزیان: ۱۳۹۱، ۲۹۶)

توسعه در ایران:

برخی معتقد بر آن هستند که توسعه در ایران ناظر بر دو تحول و تغییر است:

- ۱- تغییر مربوط به متنوع کردن اقتصاد و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی.
- ۲- تغییر بر توزیع عادلانه درآمدها (حاجی یوسفی: ۱۳۷۸: ۵۰) و برخی معتقد هستند برای آنکه یک کشور توسعه یافته از جنبه سیاسی و اقتصادی شویم نیازمند محوریت تولید و فناوری هستیم.

موضوعاتی، از قبیل جایگاه مردم در حکومت، مشارکت سیاسی، موضع حکومت اسلامی نسبت به شکل‌گیری احزاب سیاسی و نقش آن‌ها در حکومت، ماهیت نظام ولایتی و تعامل آن با مردم‌سالاری، کثرت‌گرایی سیاسی در حکومت اسلامی و توسعه سیاسی و رابطه یا تعامل آن با ولایت فقیه برخی از مسائلی است که پس از تغییر نظام سیاسی در ایران و تأسیس جمهوری اسلامی مورد توجه محافل علمی و سیاسی داخل و خارج کشور قرار گرفته است.

و برخی برآنند که، نظام سیاسی مردم ایران از چهار منشاء سرچشمه می‌گیرد که عبارتند از: «ساختار نظام سیاسی، تجربیات تاریخی، ایدئولوژی نخبگان سیاسی و دین». از بین موارد ذکر شده، ویژگی‌های این فرهنگ سیاسی عبارت است از: حذف رقبا، روش سرکوب برای حل و فصل اختلافات، بی‌اعتمادی نسبت به یکدیگر، فرد محوری در حد مطلق، قانون‌گریزی، فقدان امنیت مشاغل و حاکمیت دیوان‌سالاری مبتنی بر خویشاوندی، واگذاری سمت‌های کلیدی به افراد بی‌لیاقت. (میری، ۱۳۷۸: ۳۴)

افرادی مانند کاریل دویچ، دانیل لرنر، لوسین پای و ادوارد شیلز همه معتقد بر وابسته بودن توسعه سیاسی به توسعه اقتصادی هستند. هانتینگتون اما بر خلاف آن‌ها توسعه سیاسی را متغییر مستقل در نظر گرفت. وی معتقد بود که توسعه سیاسی را باید بر مبنای معیارهای مستقل سیاسی و جهان‌شمول که قابل تعمیم به جوامع باستان و جوامع امروز باشد مورد تعریف قرار

دارد، به وجهی که از نظر تحلیلی از پدیده‌های اقتصادی و اجتماعی جدا و قادر به تعیین مکانیسم‌های انحطاط هم باشد. هانتینگتون بر این باور بود که توانسته است با تعریف "نهادینه شدن" به عنوان وجه مشترک تمامی روندهای توسعه سیاسی، به الزامات توسعه سیاسی پاسخ دهد. بر این اساس وی آن دسته از نظام‌های سیاسی را توسعه یافته تلقی می‌کند که به نهادهای پایدار، جافتاده، پیچیده و مستقل و منسجمی مجهز باشند.

مسئله اما این است که چرا هانتینگتون توسعه سیاسی را به عنوان یک متغیر مستقل مورد مطالعه قرار داد. آیا هانتینگتون دلیل خاصی برای این مهم دارد. پاسخ به سوال فوق و بررسی این مسئله در اندیشه هانتینگتون دارای اهمیت زیاد می‌باشد. زیرا در کشورهای جهان سوم همان طور که خود هانتینگتون می‌گوید، اولویت به ضرر سیاست داده می‌شود. یعنی در کشورهای جهان سوم اولویت به ساختارهای اقتصادی و اجتماعی داده می‌شود. تقدم توسعه اقتصادی چه ضرری به حوزه سیاسی دارد.

همان طور که در بالا متذکر شدیم، هانتینگتون وجه مشترک برای توسعه سیاسی ذکر نمود. وی از آنجا نهادینگی را معیار توسعه سیاسی قرار داد که دغدغه ثبات سیاسی را داشت. برای وی ثبات سیاسی بدون نهادهای نهادینه نشده امکان ندارد. بدون ثبات سیاسی، توسعه اقتصادی و اجتماعی منجر به منازعه و درگیری می‌شود. سوال این است که چگونه توسعه اقتصادی بدون نهادهای نهادینه منجر به بی‌ثباتی سیاسی و درگیری منازعه می‌گردد.

هانتینگتون جواب معقولی به سوال مذکور داده است. وی گفته است که توسعه اقتصادی منجر به افزایش خواست‌ها و آرزوهای مردم می‌گردد. به عبارت دیگر بهتر شدن موقعیت اقتصادی، مردم را بر آن می‌دارد که هم سطح آن موقعیت سیاسی خود را نیز تغییر دهد. برای این مهم مردم خواهان مشارکت سیاسی می‌شود. اما این خواست مردم، از طرف دولت با سرکوب مواجه می‌گردد. زیرا دولت قادر به جلب و جذب مشارکت مردم نیست. زیرا نهادهای نهادینه شده وجود ندارد. یا به عبارت دیگر توسعه سیاسی اتفاق نیافته است. وقتی نهادهای سیاسی نتوانند به خواست‌های سیاسی مردم پاسخ دهند، مردم دست به شورش می‌زنند. شورش در نهایت منجر به بی‌ثباتی سیاسی می‌گردد که هر آن ممکن است در کارگزاران حکومت تغییرات مشاهده گردد. بی‌ثباتی سیاسی در نهایت توسعه و رشد اقتصادی و اجتماعی را هم از جامعه می‌گیرد. زیرا جامعه دچار بی‌نظمی می‌گردد.

اما از منظری دیگر هانتینگتون در آخرین کار خود «موج سوم دموکراسی» به تفصیل به

رابطه بین توسعه اقتصادی و توسعه سیاسی پرداخته است. وی در این باره اولاً می‌پذیرد که «رابطه بین توسعه اقتصادی از سویی و دموکراسی و دموکراتیک شدن از سوی دیگر موضوعی پیچیده است و احتمالاً به نسبت زمان و مکان تغییر می‌یابد.» و ثانیاً نتیجه می‌گیرد که «توسعه اقتصادی در طول زمان مبانی رژیم‌های دموکراتیک را استوار می‌دارد. رشد بسیار سریع اقتصادی و بحران‌های اقتصادی در کوتاه مدت ممکن است رژیم‌های اقتدارگرا را بی اعتبار سازد. هرگاه رشد اقتصادی با بحران‌های اقتصادی همراه نشود، دموکراسی به آرامی جا باز می‌کند. چنانکه در اروپا در قرن نوزدهم چنان شد. (امین زاده، ۱۳۷۶: ۱۱۴-۱۱۳) به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که الگوی «توسعه متوازن» ایده اصلی هانتینگتون می‌باشد، که در پژوهش حاضر مورد توجه قرار گرفته است.

حال در ادامه پژوهش به بررسی روابط بین فساد اقتصادی و توسعه سیاسی و مؤلفه‌های اصلی آن می‌پردازیم.

رابطه فساد اقتصادی با دموکراسی:

بررسی فساد بیش از ارزشمندی را نسبت به ماهیت دموکراسی فراهم می‌کند. زیرا بین میزان فساد و میزان وجود نهادهای غیردموکراتیک در یک جامعه رابطه وجود دارد. هر چه میزان و تعداد نهادهای غیردموکراتیک در جامعه بیشتر باشد، فساد زمینگی بروز و قابلیت بالقوه‌ی بیشتری می‌یابد، چرا که این نهادها به دلیل ماهیت غیردموکراتیک خود اغلب در پی کسب اهداف شخصی، گروهی یا حزبی خود می‌باشند که ممکن است با منافع اکثریت جامعه در تضاد باشد. اگرچه هیچ نظام سیاسی مبرا از فساد در جهان یافت نمی‌شود، اما بین میزان فساد، مردم‌سالاری و سطح توسعه یافتگی یک رابطه وجود دارد. به این معنی که هر چه سطح توسعه یافتگی بالاتر و میزان دخالت و مشارکت مردم در تعیین سرنوشت و نحوه‌ی مدیریت جامعه بیشتر باشد، به همان نسبت فساد قابلیت بروز کمتری می‌یابد. در دموکراسی‌ها پرده‌ی فساد دریده می‌شود و از هر سو به آن حمله می‌شود. فساد را فقط در فضایی آکنده از کثرت‌گرایی، شکیبایی سیاسی و آزادی بیان واقعی میتوان ردیابی و ریشه کن کرد. چنین فضایی - در عصر کنونی - در نظام‌های سیاسی دموکراتیک (به معنای واقعی) ایجاد می‌شود.

دولت‌های دموکراتیک بر اساس الگوی کنترل و توازن یعنی با اتکا بر رقابت میان نیروهای

سیاسی (احزاب)، آزادی اطلاعات، پاسخگویی و جدایی قدرت‌ها (استقلال قوا) با فساد مقابله می‌کنند. معمولاً در نظام‌های دموکراتیک قدرت به طور افقی بین سه قوه و به طور عمودی میان مقامات محلی و مرکزی تقسیم می‌گردد.

از آن جایی که دموکراسی بر پایه پاسخگویی و مسئولیت، آزادی مطبوعات و بیان، استقلال قوا، حاکمیت قانون و «نظر اکثریت مردم و مشارکت همگانی» استوار است، احتمال فساد در آن بسیار کمتر و نظارت در آن بیشتر از نظام‌های غیردموکراتیک یا دیکتاتوری است. تحقیقات نشان می‌دهد که توسعه سیاسی و اصلاح قوانین به نفع آزادی‌ها با افزایش چشمگیر در رشد اقتصادی همزمان بوده است. بعلاوه، اگر دیکتاتوری باعث رشد اقتصادی می‌شد، در آن صورت باید قاره آفریقا که دیکتاتوری‌های فراوانی را در خود جای داده است به رشد غول‌آسایی می‌رسید، اما اینگونه نشده است. در کشورهایی که دارای دولت خودکامه هستند گروه‌های فشار با دادن رشوه به سیاستمداران به راحتی قوانین و لوایح تأمین‌کننده‌ی منافع خود را به تصویب می‌رسانند اما در کشورهای مردم‌سالار این امر به سهولت امکان‌پذیر نیست.

در کشورهای توسعه‌یافته به علت داشتن دموکراسی نسبتاً پیشرفته که در واقع یکی از عوامل اصلی پیشرفت‌شان می‌باشد سیاستمداران باید همواره «پاسخگوی اشتباهات خود» به مردم و احزاب مخالف باشند. در نظام‌های دموکراسی، سیاستمداران به منظور کسب آرا در انتخابات برای آراء مردم بسیار ارزش قائلند. زیرا رقابت احزاب شدید و کوشش برای «آشکار کردن رسوایی‌های حزب مقابل» از طریق مطبوعات و رادیو و تلویزیون نسبتاً زیاد است. بنابراین حکام خودکامه، فاسدتر از حکام مردم‌سالار هستند. زیرا آن‌ها نگران انتخاب مجدد خود نمی‌باشند. اما در جوامع دموکراتیک و چند حزبی آنان نگران عدم موفقیت در دوره‌های بعدی انتخاب می‌باشند.

ارتباط نزدیک دولتمردان با مردم و پاسخگویی آن‌ها اصلی مهم در اعمال نظارت مردمی و تضمین سلامت نظام مردم‌سالاری است. به عبارت دیگر، از ویژگی‌های یک حکومت مردمی، شفاف بودن ارتباط بین حکومت و مردم است و از مزایای شفاف عمل کردن حکومت نیز بهره‌مندی از حمایت‌های مردم و مشارکت آن‌ها در زمینه‌های مختلف است.

در جوامع دموکراتیک و مردم‌سالار عملکرد دولتمردان از سوی مردمی که به آنان اعمال حاکمیت می‌شود همواره مورد قضاوت و نقد قرار می‌گیرد. از این رو، آنان باید در مورد کمیت و کیفیت عملکرد خود پاسخگو باشند. مقامات دولتی نسبت به پیامد تصمیم‌ها و اقدامات خود در

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷

برابر مردم مسئول هستند و باید برای هر نوع بازرسی و کندوکاو در حوزه کار خود تسلیم و نهایت همکاری را بنمایند.

در عصر کنونی ضرورت پاسخگویی در ساختار یک دولت دموکراتیک بر این فرض اساسی استوار است که هر یک از شهروندان این حق را دارند که فرد یا گروهی را در تشکیلات اداری ببابند که مسئولیت عمل کارکنان از سطوح پایین تا بالای سازمان را بر عهده گیرد و خود را در برابر آن مسئول بداند. در واقع سیستم پاسخگویی نقش واسطه‌ای را ایفا می‌کند که ارتباط بین سطوح مختلف را بوجود می‌آورد. سیستم پاسخگویی، بخش اداری دولت را به بخش سیاسی و در نهایت به جامعه وصل می‌کند. فرض بر آن است که تمام اقدامات دولت در نهایت همان اقدامات شهروندان است که از طریق نمایندگان انجام می‌شود. به عبارت دیگر، لازمه‌ی تأمین منافع عمومی، طراحی دقیق یک ساختار پاسخگویی است تا به این ترتیب شهروندان اطمینان حاصل کنند که نهایت تلاش از طرف کسانی که به نام آنها اقدام می‌کنند، به عمل آمده است. در ساختار بخش دولتی در یک نظام دموکراتیک دو نوع پاسخگویی وجود دارد. عدم مشارکت فعال مردم در اداره امور کشور و فقدان دموکراسی اقتصادی و ضعف در دموکراسی سیاسی که این‌ها می‌تواند از عامل تاثیر گذار بر دموکراسی و از موانع توسعه سیاسی باشد.

رابطه فساد اقتصادی و قوه قضائیه:

دستگاه قضائی وقتی اصلاح می‌شود که تولید انحراف کاهش یابد و تولید انحرافات وقتی کاهش می‌یابد که جامعه در همه ارکانش درست اداره شود و کارکرد صحیحی داشته باشد. و این فقط ممکن است که یک عدل جامع و دقیق برای اداره جامعه وجود داشته باشد.

اقتصاد هر کشور برای آنکه شکوفا شود باید ترتیبات نهادی را برای حل اختلاف‌های میان بنگاه‌ها، شهروندان و دولت تنظیم نماید و ضمن رفع ابهام از قوانین و مقررات، تعهد انجام آن‌ها را بر عهده گیرد. از سوی دیگر وجود قوه قضائیه‌ی مستقل، نیرومند و کارا در مبارزه با فساد اداری، اقتصادی و سیاسی به منظور فراهم کردن محیط مساعد و شفاف برای فعالیت‌های سالم اقتصادی، تضمین امنیت و ثبات برای این فعالیت‌ها و حفظ، نظارت و دفاع از حقوق شهروندان و جلوگیری از ضایع شدن اموال عمومی ضروری است. بدون وجود چنین قوه‌ی قضایی هر گونه تلاش برای مبارزه با فساد بی‌حاصل بوده و امیدی برای موفقیت در این زمینه وجود نخواهد

داشت و جامعه، مردم و افکار عمومی اعتمادی به از بین رفتن فساد و مجازات افراد فاسد نخواهند داشت.

باید متذکر شد که این مسئله فساد در قوه قضائیه یکی از بزرگترین و پایه‌ای‌ترین مشکلات کشور ماست که تا آن اصلاح نشود نمی‌توان به اصلاح بقیه بخش‌های جامعه امید داشت. در واقع یک قسمت عمده از علل فساد در جامعه ما به همین کارکرد قوه قضائیه و مسائل درون آن برمی‌گردد که از زمانی نسبتاً دور در این سیستم وجود داشته است. دکتر کاتوزیان در کتاب خود در حوزه فساد در قوه قضائیه می‌نویسد. انتخاب براساس شایستگی در ایران وجود ندارد، و فرد نخواهد توانست مشکلاتش را حل کند. قضات عالی‌رتبه‌ای که بدون پروا می‌گویند تا موقعی که عده خاصی از تعقیب قضایی مصون باشند مبارزه با فساد راه به جایی نخواهد برد. (کاتوزیان: ۱۳۷۹، ۳۴-۳۳)

آقای شاهرودی به هنگام تصدی پست ریاست قوه قضائیه اظهار داشتند: «دفتر اصل ۱۴۳ زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل شده است. من نمی‌دانم چرا تا به حال اصل ۱۴۲ که مربوط به رسیدگی به اموال مسئولان عالی‌رتبه نظام و زن و فرزندان آنهاست، طرح نشده است؟ این اصل بسیار پویا و حیاتی است زیرا مانع تبعیض و انباشته شدن ثروت در دست قدرتمندان می‌شود». (روزنامه کیهان: ۱۳۷۹، ۵). متأسفانه این دفتر نیز در حد حرف باقی ماند و راه به جایی نبرد و برای افکار عمومی روشن نشد که چرا ریاست قوه قضائیه این مسئله را مطرح کرد و چرا به مرحله اجرا گذاشته نشد. لازم به توضیح است که اصل ۱۴۲ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «دارایی رهبر، رئیس جمهور، معاونان، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می‌شود که برخلاف حق افزایش نیافته باشد».

نکته قابل تأمل در مورد این اصل آن است که اولاً چگونه فرد رئیس قوه قضائیه می‌تواند دارایی رئیس خود را مورد رسیدگی قرار دهد؟ ثانیاً دارایی سایر مسئولان همچون رئیس دو قوه قضائیه و مقننه و نیز نمایندگان مجلس و رؤسای سایر سازمان‌ها و نهادها چگونه، به چه طریقی و توسط چه فرد، گروه یا سازمانی بررسی می‌شود؟

به طور کلی دلایل عدم موفقیت نظام بازرسی در ایران عبارتند از:

عدم وجود یک سازمان مستقل مبارزه‌کننده با فساد

تعدد مراکز نظارت و بازرسی و وجود سازمان‌های موازی و عدم هماهنگی و ارتباط

سیستماتیک جهت تبادل اطلاعات میان آنها

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷

فقدان نیروی انسانی کافی و مجرب و نیز متخصصین اقتصادی - حقوقی به‌ویژه در مبارزه با مفاسد مالی در سازمان‌هایی چون سازمان بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات کشور عدم تناسب امکانات، ابزار و بودجه با وسعت و حیطة مسئولیت‌های محول شده عدم حمایت کافی و لازم از سوی مقامات عالی‌رتبه و نبود یک عزم سیاسی و همگانی در گذشته

فقدان قدرت و اختیار کافی در برخورد با متخلفان و مرتکبان به مفاسد اداری و اقتصادی مرتبط با مراکز قدرت

نداشتن توانایی و قدرت قابل قبول در پیگیری موارد کشف شده‌ی فساد و پرونده‌های تشکیل شده در این ارتباط کافی، مناسب و به روز نبودن قوانین و مقررات فرهنگ بازرسی‌گریزی حاکم بر دستگاه‌های اداری و تلقی آن به معنای مچ‌گیری عدم مشارکت کافی و همگانی شهروندان در ارائه اطلاعات مربوط به فساد به علت: عدم اعتماد عامه مردم، ترس از تنبیه و مجازات، به دردسر افتادن و یا حتی اخراج شدن. عدم باور شهروندان به جدی بودن برنامه مبارزه با فساد به دلیل وجود تبعیض، مصون بودن کله‌گنده‌ها، و عدم ارائه اطلاعات شفاف در ارتباط با دستگیری و مجازات متخلفین. رابطه فساد اقتصادی و دولت و حکومت:

توسعه سیاسی، ایجاد شرائط سیاسی و حکومتی لازم برای تحقیق کارایی اقتصادی بیشتر است. مفهوم دیگری از توسعه سیاسی تاکید را بر کارایی حکومت می‌گذارد. و از همین رو توسعه با افزایش در کارایی اجرایی و ظرفیت بیشتر در انجام سیاست‌های عمومی همراه می‌شود.

انواع فساد اداری در روابط دولت با شهروندان

فساد در ارائه کالاها و خدمات دولتی
فساد در فروش اموال و املاک دولتی به شهروندان
فساد در خریدهای دولتی از بخش خصوصی.
فساد در قراردادهای پیمانکاران بخش خصوصی با دولت
فساد در صدور مجوز برای فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی بخش خصوصی
فساد مالیاتی

فساد استخدای

فساد در شناسایی و مبارزه با قانون شکنی

ضعف در مدیریت و پاسخگو نبودن دولت

حاکمیت اقتصادی دولت مربوط به شفافیت، پاسخگویی و مدیریت صحیح امور مالی و اقتصادی توسط دولت در حوزه‌های تحت کنترل مستقیم دولت می‌باشد. دولت‌ها باید ارتباط نزدیک و تنگاتنگی با بخش اقتصاد از جمله شرکت‌های خصوصی شده داشته باشند، از تعارض منافع اجتناب کنند، از کافی بودن حقوق کارمندان دولت و کارایی آن‌ها اطمینان حاصل کنند، فرآیند بودجه را کاملاً شفاف و کنترل‌های شدیدی بر هزینه‌های دولتی اعمال نمایند، نظام مالیاتی را کارآمد و از کسر بودجه اجتناب و فعالیت‌های بانک مرکزی و دولت را کاملاً شفاف کنند. هرگونه ناتوانی در حوزه‌های یاد شده سبب فراهم شدن زمینه بروز فساد می‌گردد.

لازم به یادآوری است که براساس مصوب طرح ساماندهی اقتصادی، بانک‌های ایرانی موظف هستند در مورد حواله‌های ارزی از خارج از کشور، کنترل‌های مربوط به صحت و سلامت منبع حواله‌کننده و جلوگیری از ورود پول سیاه را اعمال نمایند، همچنین اصل چهل و نهم قانون اساسی مقرر داشته است که «دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیرمشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد. این حکم باید به رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود».

فساد موجب تضعیف اعتقاد مردم به توانایی و اراده سیاسی دولت برای جلوگیری از زیاده‌طلبی‌ها و نیز باعث قطع امید مردم به آینده‌ای بهتر شده و «مشروعیت اخلاقی دولت» را زیر سؤال می‌برد و در نتیجه سبب کاهش اعتماد عمومی و مقبولیت اجتماعی حکومت می‌گردد. فساد از طریق خدشه وارد کردن بر سیاست‌های دولت برای تأمین منافع و اهداف اکثریت، باعث ائتلاف منابع محدود اقتصادی شده و هزینه‌های هنگفتی بر جامعه تحمیل می‌کند.

شواهد قویاً حکایت از آن دارد که حکومت کارآمد منجر به نتایج توسعه‌ای بهتری می‌گردد. اگر روسیه به خوبی جمهوری چک و یا اندونزی به خوبی کره جنوبی فساد را کنترل می‌کرده‌اند درآمدهای سرانه آن‌ها سه برابر می‌شد. ضمن اینکه نرخ مرگ و میر کودکان به کاهش و در

بلند مدت نرخ سواد به ۲۰ درصد افزایش می‌یافت.

ایران از جمله کشورهایی است که در قوانین و مقرراتش، قواعد رفتاری یا اصول اخلاقی خاصی (نظامنامه رفتار) ناظر بر نحوه عملکرد نمایندگان پیش‌بینی نشده است. تنها اصل قابل استناد در این خصوص اصل ۱۴۱ قانون اساسی در خصوص ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل دولتی است که آن هم در بسیاری از موارد نادیده گرفته شده است. همچنین در ماده یک قانون مصوب ۷۰/۱۰/۴ مجلس شورای اسلامی به کنترل هزینه‌های غیرضروری و مبارزه با تجمل‌گرایی در استفاده از امکانات عمومی اشاره شده است البته باید توجه داشت که کمک مالی دولت به احزاب خود به یک ابزار امتیازدهی و امتیازگیری تبدیل نگردد. و این امر سبب وابستگی احزاب به دولت نشود و احزاب برای به دست آوردن سهم بیشتری از کمک‌های دولتی متوسل به شیوه‌های نادرست یا غیرقانونی نگردند. با نگاهی تحقیقی به رفتار انتخاباتی مردم می‌خواهیم به تبیین رفتار سیاسی ایرانیان از منظر ایستارهای احساسی، ارزشی و عقلانی بپردازیم.

رابطه فساد اقتصادی و احزاب سیاسی و انتخابات:

معمولاً هزینه‌های سیاسی احزاب بیش از درآمدهای قانونی آن‌ها می‌باشد. از این رو، آنان متوسل به شیوه‌های نادرست، غیراخلاقی یا غیرقانونی برای تامین مالی فعالیت‌های سیاسی و تضمین بقا و موفقیت خود در صحنه سیاست می‌شوند. بنابراین در پاسخ به این سؤال که چرا برخی از سیاستمداران به فساد آلوده می‌شوند، باید گفت که یکی از دلایل آن هزینه‌های سیاسی است. به عنوان مثال، اگر یک نامزد نمایندگی مجلس هزینه هنگفتی را صرف مبارزه انتخاباتی کند، رقیب او نیز برای حفظ شانس انتخاب شدن خود مجبور است به همان اندازه پول خرج کند. لذا تامین مالی هزینه‌های تبلیغاتی کاندیداهای انتخاباتی محملی برای وفور فساد است. برخی از سرمایه داران، تجار، بانکداران، و... به حمایت مالی از این کاندیداها می‌پردازند. (فرج پور: ۱۳۸۳، ۹۰ - ۸۹)

در قانون اساسی ایران هیچ اصلی به نحوه تأمین مالی احزاب و فعالیت‌های انتخاباتی آن‌ها اختصاص نیافته است. همچنین در مورد مجاز یا مجاز نبودن کمک‌های مالی اشخاص، گروه‌ها، شرکت‌ها و نهادها به کاندیداها و احزاب و یا سقف مجاز آن سخنی به میان نیامده است، البته اخیراً کیفیت پرداخت یارانه در قاب مثلث وزارت کشور، خانه احزاب و کمیسیون ماده ۱۰ در

دست بررسی است. بر اساس اظهارات معاون سیاسی وزارت کشور و دبیر کمیسیون ماده ۱۰ احزاب، «میزان فعالیت احزاب در جریان انتخابات مختلف، تعداد شعب استانی فعال، تعداد نمایندگان هر حزب در مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان، شوراهای شهر و روستا، تعداد اعضای حزب، تعداد نثریات و سایر فعالیت‌های حزبی همچون آموزش‌های حزبی، بررسی‌های کارشناسانه در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کشور، کنگره‌های حزبی و تبلیغات از جمله پارامترهای تعیین‌کننده سهم هر حزب از یارانه‌های دولتی احزاب خواهد بود.» (روزنامه همشهری، ۱۳۸۰: ۳۲).

البته باید توجه داشت که کمک مالی دولت به احزاب خود به یک ابزار امتیازدهی و امتیازگیری تبدیل نگردد و این امر سبب وابستگی احزاب به دولت نشود و احزاب برای به دست آوردن سهم بیشتری از کمک‌های دولتی متوسط به شیوه‌های نادرست یا غیرقانونی نگردند. برخی معتقدند نهادی تحت عنوان حزب در ایران وجود ندارد و گروه‌هایی که در صحنه سیاست داخلی نام حزب به خود نهاده‌اند، در حد محافل دوستانه و یا حداکثر احزاب دولتی می‌باشند. آنچه در این احزاب می‌گذرد بر مبنای روابط شخصی و پیوندهای دوستانه استوار است. ارتباط ارگانیک با طبقه یا پایگاه اجتماعی معین در این احزاب به چشم نمی‌خورد و به باور ناظران سیاسی، چنین احزابی فاقد برنامه، مرامنامه و جهان بینی هستند. عدم آموزش جوانان و تمایل نداشتن به عضوگیری نیز از دیگر انتقادهایی است که به احزاب ایران وارد است. قانون اساسی نیز در خصوص نحوه مشارکت احزاب در انتخابات و کسب قدرت سکوت کرده و گروه‌های سیاسی را با این پرسش که بعد از پیروزی در انتخابات پارلمانی چه نقشی در تعیین هیأت رئیسه مجلس و گزینش مهمترین همکاران رئیس جمهور خواهند داشت، تنها گذاشته است. (نصیری: ۱۳۸۱، ۵).

رابطه فساد اقتصادی و مطبوعات:

آزادی مطبوعات از جهات زیر برای مبارزه با فساد مفید خواهد بود:
مطبوعات و رسانه‌ها بدون آن که هزینه‌ای برای دولت در بر داشته باشند به تجسس و نظارت بر رفتار دستگاه‌های دولتی می‌پردازند و در امر بازرسی به طور غیرمستقیم به دولت کمک می‌کنند. افشای فساد اداری در مطبوعات هزینه‌های اجتماعی و سیاسی فساد را برای

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷

مرتکبین آن‌ها افزایش می‌دهد. زیرا در نتیجه‌ی افشاگری مطبوعات آبرو و حیثیت آن‌ها از بین خواهد رفت. به این ترتیب انگیزه‌های ارتکاب فساد اقتصادی و اداری کاهش می‌یابد. گزارش فساد در رسانه‌ها مانع اعمال نفوذ افراد برای مسکوت نگاه داشتن و عدم پیگیری فساد می‌شود.

مطبوعات آزاد ابزار نیرومندی برای آگاهی افکار عمومی از رویدادهای جامعه و اطلاع شهروندان از ماهیت واقعی کارگزاران و مسئولان‌شان می‌باشد و لذا آن‌ها را ملزم به پاسخگویی در قبال عملکرد خود و افراد زیر مجموعه خود به جامعه و افکار عمومی می‌نماید و سبب تقویت نظارت مردمی و ملزم ساختن سیاستمداران به شفاف‌سازی می‌گردد.

یکی از خطرات اعمال محدودیت‌های غیرضرور و سانسور مطبوعات آن است که در صورتی که شهروندان یک جامعه نتوانند اطلاعات واقعی و صحیح را از طریق رسانه‌های داخلی کسب کنند، در آن صورت به سمت رسانه‌های خارجی گرایش خواهند یافت، زیرا در عصر ارتباطات، اطلاعات در کمتری فاصله زمانی ممکن در سراسر جهان به سرعت منتشر می‌گردد و این گرایش به مطبوعات بیگانه فرصت حداکثر استفاده و سوءاستفاده را برای آن‌ها فراهم می‌کند. ضمن اینکه این مسئله سبب از بین رفتن اعتماد داخلی به دولت حاکم می‌گردد.

اعمال برخی محدودیت‌ها در مطبوعات و رسانه‌ها و کنترل آن‌ها توسط دستگاه حکومتی، وجود مطبوعات آزاد کمک شایان توجهی به برملا شدن فسادهای مالی می‌کند. از این رو، مطبوعات نباید به گونه‌ای محدود شوند که اجازه پرده‌برداری از فساد و جرایم مسئولان و مقامات سیاسی و کشوری را نداشته باشند. در بسیاری از کشورها پنهان کاری کمک بسیاری به افراد صاحب نفوذ و مقامات دولتی برای ادامه فعالیت‌های غیرقانونی کرده است. اطلاع‌رسانی دقیق، شفاف و به هنگام کمک مؤثری در ایجاد روحیه اصلاح طلبی و اجرای اصلاحات و بالا بردن درک افراد در راستای مبارزه با فساد می‌نماید.

رابطه فساد اقتصادی و ساختار سیاسی کشور:

ساختار سیاسی در ایران به گونه‌ای است که برخی از مقامات یا اشخاص از موقعیت‌ها و سمت‌های خود به نوعی سوءاستفاده کرده و یا امکان سوءاستفاده اطرافیان و همکاران را فراهم می‌کنند.

مبارزه با فساد در ایران هرگز جدی گرفته نشده است. هرگز طرح بلندمدتی که راهبردی بوده و زمینه‌ها و بسترهای ایجاد فرصت برای فساد را شناسایی و قوانین لازم را برای حذف فرصت‌ها و به مجازات رساندن متخلفین و افراد فاسد وضع کند، وجود نداشته است. همچنین سازمان مستقلی که از قدرت و اقتدار کافی در مبارزه با فساد و مجازات مقامات ارشد فاسد برخوردار باشد، وجود نداشته است و همواره از برنامه مبارزه با فساد به عنوان یک ابزار سیاسی و منحرف‌کننده افکار عمومی و تسکین‌دهنده موقت آلام طبقه ستمدیده و تحت فشارهای اقتصادی جامعه استفاده شده و افراد فاسد از مجازات مصون مانده‌اند.

کشورهای توسعه نیافته کم یا بیش دارای ویژگی‌ها و خصوصیات مشترکی هستند و عمدتاً نیز به سبب همین خصوصیات است که به توسعه دست نیافته‌اند. این ویژگی‌ها عبارتند از:

سطح پایین زندگی و درآمد سرانه

عدم توزیع عادلانه درآمد (توزیع ناعادلانه ثروت)

سطح پایین بهره‌وری

نرخ بالای رشد جمعیت و بارتکفل

رفاه اجتماعی نازل

وضع بد بهداشت همگانی

نرخ بالای بی‌سوادی

سطح بالا و فزاینده بیکاری و کم‌کاری

فقر گسترده و مزمن و نرخ بالای تورم

نظام آموزشی نامناسب و وجود روحیه مدرک‌گرایی

نظام اداری ناکارآمد (مهارت گسیختگی بوروکراسی) و تورم نیروی انسانی در بخش دولتی

حاکم بودن روابط به جای ضوابط، خویشاوند سالاری و تبارگماری (ناشایسته سالاری)

سطح پایین حقوق و دستمزد

به ویژه در بخش دولتی

و ناکارآمد بودن نظام ارزشیابی و کنترل

ناکارآمدی دولت‌های حاکم و بی‌کفایتی آن‌ها

فقدان دموکراسی سیاسی و اقتصادی به معنای واقعی

مداخله بیش از حد دولت در فعالیت‌های اقتصادی

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷

فساد اداری گسترده (رشوه‌خواری، اختلاس و...) وابستگی بسیار به محصولات کشاورزی و صادرات محصولات اولیه، نفت یا مواد معدنی (اقتصاد تک محصولی)

عدم ثبات وضع مبادلات

محدودیت منابع مالی، فرار سرمایه‌های داخلی و بدهی‌های کلان خارجی وابستگی بسیار زیاد و فزاینده به تکنولوژی کشورهای توسعه یافته وابستگی، تسلط و آسیب‌پذیری در روابط بین‌المللی

از ۱۴۱ کشوری که کشورهای کمتر توسعه یافته جهان سوم را تشکیل می‌دهند، ۴۲ کشور در زمره فقیرترین کشورها قرار دارند که به وسیله سازمان ملل به عنوان «کم توسعه یافته‌ترین کشورها» مشخص شده‌اند. ۸۶ کشور نیز جزء «کشورهای در حال توسعه‌ی باشند که عمدتاً صادرکننده کالاهای غیرنفتی هستند و ۱۳ کشور باقی مانده نیز در زمره کشورهای صاحب نفت و ثروتمند عضو «اوپک» یعنی سازمان کشورهای صادرکننده نفت قرار دارند.

رابطه فساد اقتصادی و رانت خواری:

در طی سال‌های گذشته پدیده‌ی قاچاق به صورت یک معضل جدی و تهدیدکننده‌ی اقتصاد کشور درآمده است. صرفنظر از اینکه قاچاق کالا صدمات جبران‌ناپذیری به اقتصاد کشور، سیاست‌های تشویقی و حمایتی دولت از صنایع و تولیدکنندگان وارد می‌سازد، می‌تواند موجبات رکود و نهایتاً تعطیلی بخشی از بنگاه‌های تولیدی جامعه را فراهم و در نتیجه نرخ بیکاری موجود در جامعه را که در حال حاضر نیز نگران‌کننده است را افزایش دهد. قاچاق انگیزه‌های سرمایه‌گذاری مولد را از بین می‌برد و فعالیت‌های دلالی و زیرزمینی را رونق می‌دهد.

از سوی دیگر، کاهش سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی در اقتصاد کشور سبب کاهش درآمدهای ملی، درآمد سرانه و افزایش فقر می‌گردد، در حالی که سود حاصل از قاچاق به جیب عده‌ای خاص سرازیر می‌شود. همچنین دولت از دریافت سود بازرگانی، حقوق گمرکی و مالیات محروم شده و در نتیجه درآمدهای دولت کاهش و امکان کسری بودجه افزایش می‌یابد. قاچاق تعادل تراز پرداخت‌های کشور را به هم می‌ریزد. بعلاوه، در حالت قاچاق، مسائل بهداشتی، ایمنی و استاندارد کالاهای قاچاق شده نادیده گرفته می‌شود که این خود

می‌تواند سبب تحمیل هزینه‌های دیگری بر جامعه شود.

فساد و رابطه‌ی آن با ناشایسته‌سالاری و فرار مغزها:

استخدام، انتصاب و ترفیع افراد با سوءاستفاده از موقعیت شغلی و اداری، نفوذ سیاسی و یا دریافت رشوه فساد استخدامی نامیده می‌شود. در فساد استخدامی افراد نه براساس ضوابط و معیارهای عینی شایستگی همچون خلاقیت، تخصص، مهارت و تجربه بلکه براساس روابط و معیارهای ذهنی، استخدام و یا ترفیع می‌شوند. فساد استخدامی باعث عدم رعایت اصل «برابری فرصت‌ها»، ایجاد باندها و شبکه‌های غیررسمی در داخل ادارات، سازمان‌ها و شرکت‌ها، دلسردی و بی‌تفاوتی متخصصین و افراد با صلاحیت و سختکوش می‌گردد و ضمن افزایش امکان بروز فساد اداری، هزینه‌های فساد را برای مرتکبین آن کاهش می‌دهد.

براساس مطالعاتی که «اوانس» و «راچ» در مورد اثر استخدام شایسته‌سالارانه بر فساد در ۳۵ کشور انجام داده‌اند، درجات بالاتر شاخص استخدام شایسته‌سالارانه با نسبت مقامات عالی‌رتبه بنیادهای اقتصادی اصلی که تحصیلات دانشگاهی دارند یا از طریق سیستم رسمی وارد خدمات دولتی شده‌اند، ارتباط دارد. با در نظر گرفتن تأثیر درآمد، استخدام مبتنی بر شایسته‌سالاری با فساد ارتباط معکوس دارد. همچنین شواهد نشان می‌دهد که استخدام و ارتقا براساس شایستگی و نه براساس زدوبندها و «حمایت‌های سیاسی» یا «پیوندهای ایدئولوژیکی» با «اثربخشی دولت» و کنترل فساد رابطه‌ی مثبت دارد.

یکی از اشکال متداول فساد استخدامی، تبعیض استخدامی در ازای دریافت رشوه به ویژه در مشاغل است که برای متصدیان آن‌ها فرصت‌های فراوانی برای کسب درآمدهای غیرقانونی فراهم می‌کند. گزارش‌هایی وجود دارد مبنی بر اینکه در برخی کشورها مشاغلی که در آن‌ها امکان دریافت وجوه کلان وجود دارد، فروخته می‌شوند و یا توسط کسانی که قدرت اعطای چنین پست‌هایی را دارند به حراج گذاشته می‌شوند.

فساد استخدامی در جوامعی که در آن‌ها روابط خویشاوندی بسیار گسترده و مهم است، شدیدتر است. ضمن اینکه مدیران شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی همواره از جانب دوستان، اقوام و حامیان سیاسی خود که به شغل برای خود یا وابستگان‌شان نیاز دارند - تحت فشار هستند و سیاستمداران نیز چندان علاقه‌ای به مبارزه جدی با فساد استخدامی ندارند، زیرا ایجاد

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷ ———
فرصت‌های شغلی برای آشنایان و هواداران سیاسی، نفوذ آنان را افزایش می‌دهد.
(حبیبی: ۱۳۷۵، ۹۹).

بسیاری از کشورهایی که در دهه‌های اخیر در مسیر توسعه گام نهاده‌اند، از جمله ژاپن، هنگ‌کنگ، سنگاپور و سایر کشورهای موسوم به ببرهای جنوب شرقی آسیا که تا چند دهه پیش جزو مناطق فقیر و عقب‌مانده بودند. فاقد منابع طبیعی هستند اما آنچه که آنان را به مرحله کنونی پیشرفت رسانیده است، بنابر اظهارات «ماهاتیر محمد» نخست‌وزیر مالزی، توانمندی مدیریتی است که از یک سو رقابت و اقتصاد بازار را تشویق می‌کند و از سوی دیگر با اجرای برنامه‌های صحیح، سودآوری سرمایه‌گذاری‌های ملی و خارجی را در شته‌های مورد نیاز افزون می‌سازد. از این رو، یکی از مخرب‌ترین اشکال فساد استخدامی، فساد ناشی از زیرپا گذاشته شدن معیارها و ضوابط انتصاب و انتخاب مدیران بخش‌های دولتی است.
حال در ادامه به بیان برخی وقایع و مصادیق فساد اقتصادی در سال‌های ۹۲-۶۸ می‌پردازیم:

برخی از اقدامات و تحولات مهم در دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی مرتبط با فساد

نام فاضل خداداد، در ابتدای دهه ۷۰ با اختلاس ۱۲۳ هزار میلیاردی گره خورده است، وی تاجری بود که در نهایت به جرم تبانی با کارمندان بانک صادرات ایران و ۱۲۳ میلیارد تومان اختلاس از این بانک به اعدام محاکمه شد و در نهایت نیز به دار مجازات آویخته شد. اختلاس ۱۲۳ میلیاردی در زمان دولت آقای هاشمی اتفاق افتاد، و به اشدترین وجه ممکن مجازات عاملان را در پی داشت. براساس گزارش سازمان بازرسی کل کشور به شماره ۳۲/۸۵/۴۰۹۵۶ م. هاشمی مبلغ ۵۲۰ میلیون ریال از وجوه شرکت مهندسی ساخت تاسیسات دریایی را اختلاس کرده است. همچنین مشارکت مدنی وی با شرکتی به نام شناور سکوساز (شنکو) فاقد وجاهت قانونی عنوان شده است. م. هاشمی در زمان مدیریت شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت در سال‌های ۸۲ تا ۸۴ مبلغ ده میلیارد و بیست و سه میلیون و پانصد و سی و یک هزار تومان که با احتساب کاهش ارزش وجه مذکور به مدت ۷ سال اکنون به مبلغ شانزده میلیارد و یکصد و شصت و دو میلیون و هشتصد و سی و یک هزار تومان رسیده اختلاس نموده و اسناد و

فاکتورهای جعلی ارائه کرده است.

۴۸۰ هزار صفحه سند در قالب ۴۳ جلد گزارش از تحقیق و تفحص زمان آقای جاسبی و به ریاست هیات مدیرگی آقای هاشمی رفسنجانی به مجلس ارائه شد. در این گزارشات ۹۰ سند فساد و مشکلات این دانشگاه ثبت شده بود که شخص مدیر دانشگاه آزاد اسلامی در آن نقش ایفا می کرد. یکی از صدها تخلف دانشگاه آزاد پرداخت متاسفانه ماهانه هزاران پوند به حساب واحد آکسفورد در کشور انگلستان بوده است که بعدها معلوم شد چنین دانشگاهی اصلاً وجود ندارد. م. هاشمی بابت ماموریت خودساخته به دانشگاه آزاد واحد آکسفورد به مدت ۱۹ ماه ماهیانه ۳۲۰۰ پوند همراه با ۴ میلیون تومان از دانشگاه آزاد دریافت می کرده است.

در این قسمت به گوشه‌هایی از فساد در دوره خاتمی اشاره می‌کنیم:

در زمان دولت آقای خاتمی، هواپیمای چهل میلیارد تومانی از سلطان برونتی به‌عنوان هواپیمای اختصاصی رئیس‌جمهور خریداری شد. این هواپیمای تشریفاتی از نوع ایرباس ۳۲۱ و متعلق به سال ۲۰۰۲ بود و در سال ۱۳۸۲ پس از خرید هواپیمای، قرارداد تبدیل آن به هواپیمای اختصاصی با هزینه‌ای نزدیک به ۲۰ میلیون دلار یعنی نزدیک ۲۰ میلیارد تومان با شرکت “سوژرما” منعقد شد. دیوان محاسبات پس از بررسی مدیریت صنعت نفت دولت هشتم در گزارش تفریح بودجه سال ۸۳ آخرین سال دولت خاتمی به صورت رسمی اعلام کرد بیش از ۶ میلیارد دلار درآمدهای حاصل از فروش نفت به خزانه دولت واریز نشده است، خاتمی هیچگاه به ابهاماتی که در این زمینه ایجاد شد، پاسخ نداد. دیوان محاسبات در گزارش تفریح بودجه سال ۱۳۸۳ می‌گوید که ۱۰۲۹ دستگاه دولتی اصلاً جواب دیوان را هم نداده‌اند.

در دوره تصدی ولی الله سیف بر بانک صادرات دولت سازندگی رئیس بانک مرکزی فعلی اختلاسی به مبلغ ۱۲۴ میلیارد تومان در بانک صادرات صورت گرفت که «فاضل خداداد» را به دام مرگ کشاند. اگر یک میلیارد دلار آن روز را به ریال امروز تبدیل کنیم حدود ۳ هزار میلیارد تومان می‌شود.

احمد خرم وزیر راه و ترابری دولت اصلاحات به خاطر حادثه ی نیشابور و کشته شدن حدود ۴۰۰ نفر در این حادثه و هزینه کرد حدود ۷/۱ میلیارد تومان فقط برای افتتاح فرودگاه ناتمام امام خمینی و صرف هزینه‌های دو میلیاردی به قیمت سال ۱۳۸۲ برای دکوراسیون دفتر وزیر توسط

مجلس عزل شد. میز جلسه با خبرنگاران این اتاق ۴۲ میلیون تومان، و درب اتاق پنج میلیون تومان ارزش ریالی داشته است.

طرح اکتشاف گاز در منطقه حفاظت شده سراج در عسلویه در حالی با پیشنهاد وزارت نفت در تاریخ ۱۱ مرداد ۱۳۸۴ به تصویب هیات وزیران رسید که براساس آن دولت موظف شد پانزده هزار هکتار از اراضی بخش‌هایی از منطقه حفاظت شده سراج و نیز محدوده پیرامون آن را جهت اکتشاف گاز به وزارت نفت واگذار کند.

دیوان محاسبات پس از بررسی مدیریت صنعت نفت دولت هشتم در گزارش تفریغ بودجه سال ۸۳ آخرین سال دولت خاتمی به صورت رسمی اعلام کرد بیش از ۶ میلیارد دلار درآمدهای حاصل از فروش نفت به خزانه دولت واریز نشده است، خاتمی هیچگاه به ابهاماتی که در این زمینه ایجاد شد، پاسخ نداد. دیوان محاسبات در گزارش تفریغ بودجه سال ۱۳۸۳ می‌گوید که ۱۰۲۹ دستگاه دولتی اصلاً جواب دیوان را هم نداده‌اند.

ضعف عملکرد دولت خاتمی و تعلل مسئولان مربوطه در بهره‌برداری هر چه سریع‌تر از میدان پارس جنوبی باعث شد کشور همسایه در این میدان به میزان قابل توجهی از ما جلوتر باشد. در دولت هفتم و هشتم شاهد بکارگیری روش‌های غیر صیانتی در تولید از میادین نفتی بودیم که این مسئله هم در قالب قراردادهای بیع متقابل انجام شد و هم به دلیل عدم تزریق گاز لازم به میادین نفتی. به خاطر عدم تزریق گاز مورد نیاز در مخازن نفتی کشور که عمدتاً در نیمه دوم عمر خود هستند حجم عظیمی از ذخائر نفت خام این میدان‌ها دچار هرزروی شده‌اند که خسارت آن‌ها میلیاردی است.

در زمان وزارت زنگنه (وزیر فعلی نفت)، در مخزن بزرگ نفتی پارس به دلیل رعایت نکردن نسبت تزریق به تولید پیشنهادی، چاه‌ها دچار گاز گرفتگی و نمک اضافی شدند و افت کیفیت نفت تولیدی و نهایتاً کاهش بازیافت ثانویه و آسیب رسیدن به مخزن را به دنبال داشته است. سرانجام تنها در یک دوره به ازای ۱۵ میلیون نفت برداشت شده این مخزن حدود پنج میلیون بشکه آن بر اثر عدم تزریق گاز به هدر رفت.

در این دوره بود که پرونده‌های فساد نفتی کرسنت، استات اوایل، توتال، پتروپارس، ایران مارین و پرونده‌ی فساد مالی سازمان بهینه‌سازی مصرف سوخت مطرح شد و بر سر زبان‌ها افتاد. آقای خاتمی در دوران ریاست بر نهاد اجرایی کشور پس از عزل خرم وزیر راه در اثر برخی ریخت و پاشها و ضعف در عملکرد توسط مجلس شورای اسلامی، او را به سمت مشاور خویش

گماشت و همچنان او را موثر در تصمیم‌گیری‌ها ابقا نمود. (آقای خرم در وزارت راه و ترابری در دولت اصلاحات از طرف مجلس شورای اسلامی استیضاح شد. از او به خاطر حادثه‌ی نیشابور و کشته شدن حدود ۴۰۰ نفر در این سانحه و افتتاح فرودگاه امام خمینی که ناتمام بود و حول ۳/۱ الی ۷/۱ میلیارد تومان هزینه شد فقط درازای افتتاح، درکنار دیگر موارد او توسط مجلس عزل شد، اما جای ارائه‌ی توضیحی درخور و مقتدرانه، توسط خاتمی او مشاور رئیس‌جمهور شد.

برخی از موارد مرتبط با فساد اقتصادی در دوره ریاست جمهوری احمدی

نژاد:

پرداخت دیه مقتول کهریزک از محل بودجه تأمین اجتماعی:

سعید مرتضوی دادستان تهران و متهم ردیف اول پرونده کهریزک براساس گزارش تحقیق و تفحص مجلس از محل بودجه تأمین اجتماعی که از محل پرداخت کارگراناست هشتاد میلیون تومان به پدر امیر جوادی فر پرداخت و از وی رضایت گرفت. در جریان رسیدگی به پرونده اتهامات سعید مرتضوی دادستان تهران پیرامون مرگ امیر جوادی فر از جوانان بازداشتی در کهریزک، بطور ناگهانی پدر مقتول از سعید مرتضوی (که در هنگام محاکمه از سمت دادستانی خلع و توسط دولت احمدی‌نژاد به ریاست سازمان تأمین اجتماعی رسیده بود و متهم ردیف اول دادگاه مرگ جوادی فر بود) اعلام رضایت کرد. چند روز بعد آگهی‌هایی با امضای «تقدیر و تشکر کانون‌های کارگری و بازنشستگان سراسر کشور از اقدام ارزنده یکی از شکات پرونده کهریزک» در چندین روزنامه چاپ شد. پس از پایان دولت محمود احمدی‌نژاد در گزارش نمایندگان مجلس از تحقیق و تفحص از سازمان تأمین اجتماعی در دوران تصدی مرتضوی اعلام شد که وی مبلغ بیش از هشتاد میلیون دیه جوادی فر را از محل دارای سازمان تأمین اجتماعی که متعلق به کارگران است پرداخته و آگهی‌های تشکر هم توسط وی و با هزینه تأمین اجتماعی در روزنامه‌ها پرداخته است.

رانت هفت هزار میلیاردی برای صرافان:

رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس نهم (ارسلان فتحی‌پور) از رانت هفت هزار میلیارد تومانی سه صراف با همکاری بانک مرکزی خبر داد و گفت: سه صراف در سال ۹۰ با همکاری بانک

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷

مرکزی هفت هزار میلیارد تومان سود کرده‌اند که اکنون این رانت نسبت به پرونده سوءاستفاده مالی سه هزار میلیارد تومانی اهمیت بیشتری دارد. او گفت: سه صراف در سال ۹۰ با همکاری بانک مرکزی هفت هزار میلیارد تومان سود کرده‌اند که اکنون این رانت نسبت به پرونده سوءاستفاده مالی سه هزار میلیارد تومانی اهمیت بیشتری دارد.

فروش ده هزار متر زمین هتل هما به همسر پیمانکار ایران ایر:

خبرگزاری جمهوری اسلامی ادعا کرد که در دوران احمدی‌نژاد ده هزار متر از زمین‌های هتل هما که ۳۰۰ میلیارد تخمین زده شده به قیمت ۴۷ میلیارد به همسر یکی از پیمانکاران ایران ایر واگذار شده خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران در گزارشی اعلام کرد که در دوران ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد ایران ایر برای تأمین مالی خود ده هزار متر از زمین‌های هتل هما پارکینگ و زمین پشت هتل هما جهت تأسیسات هتل است. به یک زن خانه‌دار فروخته است... همسر این زن از پیمانکاران اصلی ایران ایر است.

و این زمین‌ها را بنام همسر خانه‌دار خود خریداری کرده است. با این اقدام دولت احمدی‌نژاد این هتل عملاً بدون پارکینگ و تأسیسات می‌ماند. بنا به این گزارش این زمین که در یکی از بهترین نقاط تهران است در سال ۹۰ حداقل ۳۰۰ میلیارد تومان ارزش داشت اما ایران ایر آن را به قیمت تنها ۴۷ میلیارد به خانم 'ع' فروخت، این در حالی است که قیمت همین زمین در حال حاضر حداقل دو برابر شده است

خبرگزاری در گزارشی اعلام کرد که در دوران ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد ایران ایر برای تأمین مالی خود ده هزار متر از زمین‌های هتل هما را (که شامل مساحت پارکینگ و زمین پشت هتل هما جهت تأسیسات هتل است) به یک زن خانه‌دار فروخته است.

دکل نفتی ۸۰ میلیون دلاری:

نادر قاضی پور، نماینده ارومیه و نماینده مجلس در ۲۹ مهرماه ۱۳۹۳، در نامه‌ای به رئیس مجلس خواستار پیگیری وضعیت این دکل نفتی شدند. به گفته وی این دکل نفتی در سال ۱۳۹۰ به قیمت ۸۷ میلیون دلار توسط یک شرکت ترکیه‌ای به شرکت زیرمجموعه وزارت نفت ایران فروخته شده، اما هنوز تحویل این شرکت نشده است. بیشتر پول خرید دکل دریایی توسط شرکت تأسیسات دریایی دلالی رضا مصطفوی طباطبایی پرداخت شد و نیز گفته شده است این

دکل در یک «کشور همسایه» به کار گرفته شده است.

چندهزار مورد بورسیه غیرقانونی و تخلف:

در پی روی کار آمدن دولت حسن روحانی گزارش از وجود تخلفات عظیم در بورسیه‌ها منتشر شد. اندکی بعد وزیر علوم، حسن روحانی توسط نمایندگان مجلس که اکثریت آنان را اصولگرایان تشکیل می‌دادند استیضاح گردید. وزارت علوم نهایتاً در ۲ آبان گزارش بررسی بورسیه‌های دولت محمود احمدی‌نژاد را منتشر ساخت که حاکی از صدها مورد تخلف بود. از ۳۷۷۲ بورسیه شده در حد فاصل سالهای ۸۸ تا ۹۲، دوران دولت احمدی‌نژاد، بورس ۸۸۹ تن ۸۴۰ تن از کسانی که از روش تبدیل خارج به داخل بورس شده بودند به اضافه ۲۳ تن از ایثارگرانی که شرایط مندرج در بخشنامه صادر شده برای این قشر را نداشتند ۲۶ تن که به علل گوناگون از جمله عدم شروع تحصیل، انصراف و... پرونده‌شان مختومه شده. لغو شده و باید هزینه‌های پرداخت شده را به وزارت علوم بازگردانند و بورس ۱۶۸۹ تن دیگر در آستانه لغو است، چون تا این لحظه واجد شرایط دریافت بورس نیستند. بر اساس گزارش وزارت علوم، جلسه شورای مرکزی بورس مورخ ۳/۵/۹۱ که در دفتر وزیر علوم احمدی‌نژاد کامران دانشجو برگزار شده اعلام می‌شود. روش پذیرش از طریق تبدیل به داخل، نه تنها تبعیض آمیز نیست بلکه عین عدالت است. افرادی که وفاداری خود را در برهه‌های حساس ... نشان داده‌اند بایستی در اولویت باشند. تفاوت براساس عملکرد افراد است. اگر تفاوت قائل نشویم، تبعیض و ظلم آشکار است.

فساد ۴۰۰ میلیون دلاری در واردات لوازم هواپیما:

مویده حسینی صدر نماینده خوی در مجلس هفتم طی مصاحبه‌ای با روزنامه شرق گفت که با یکی از مسئولان دولت احمدی‌نژاد نیز روابط حسنه‌ای داشته و از سوی رحیم مشایی در باره این تخلف صحبت کرده است.

فساد ۱۲ هزار میلیارد تومانی بانکی:

وزیر اقتصاد از رویداد یک فساد مالی ۱۲ هزار میلیارد تومانی در شبکه بانکی کشور در دوران دولت احمدی نژاد از طریق ضمانت نامه‌های بانکی جعلی خبر دادند و گفتند که اقدامات قضایی صورت گرفته است.

بازداشت معاون سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری:

سازمان جنگل‌ها اخبار منتشره پیرامون بازداشت معاون این سازمان که در دولت احمدی نژاد منصوب گردیده بود به اتهام فساد و فروش غیرمجاز اراضی منابع طبیعی را تأیید کرد.

فساد ۳۲ میلیاردی در وزارت علوم:

هنوز اردیبهشت ماه از نیمه نگذشته بود که شایعاتی مبنی بر اختلاس ۳۲ میلیاردی صندوق رفاه وزارت علوم دولت دهم به گوش رسید. زمزمه‌هایی که با تأیید مسئولان وزارت علوم به حقیقت بدل شدند.

ماجرای هم از این قرار بود که بعد از جدی شدن شایعات مربوط به اختلاس در صندوق رفاه دانشجویان، معاون وزیر علوم و رییس سازمان امور دانشجویان درباره برخی اخبار منتشره در مورد اختلاس ۳۲ میلیارد تومانی در صندوق رفاه دانشجویان (وزارت علوم دوره احمدی نژاد) اعلام کرد: صندوق در دوره گذشته کنترل‌های لازم را در عقد قراردادها نداشته است. تا به نوعی شایعات در خصوص این اختلاس را تأیید کند.

مجتبی صدیقی در باره مشکل مطرح شده در صندوق رفاه دانشجویان در دوره گذشته گفت: صندوق رفاه در دوره گذشته در بخش سرمایه‌گذاری کنترل لازم را انجام نداده است و برخی از قراردادها واقعی نبودند.

وی خاطرنشان کرد: ضمانت‌های بانکی برای قراردادها گرفته شده ولی برخی شرکت‌ها سوری بوده و امروز دیگر وجود ندارند. معاون وزیر علوم ادامه داد: در حال حاضر بازگشت سرمایه با مشکل مواجه شده است؛ اصل پول ۳۲ میلیارد تومان است و پیگیری‌ها از ۱/۵ سال گذشته شروع شده است. بعد از آن بود که وزیر علوم از دستور جدی رئیس قوه قضائیه برای پیگیری پرونده مالی ۳۲ میلیارد تومانی صندوق رفاه دانشجویان خبر داد تا ماجرا جدی‌تر شود.

محمدفرهادی وزیر علوم در دولت حسن روحانی در حاشیه یازدهمین جشنواره ملی فن آفرینی شیخ بهایی و اولین المپیاد طرح کسب و کار دانشجویی در جمع خبرنگاران گفت: این پرونده از گذشته در حال پیگیری بوده و بیش از چند ماه گزارشات به قوه قضائیه رفته و دستور رسیدگی داده شده است.

وی در پاسخ به برخی خبرنگاران در این زمینه توضیح داد: مبلغ اصلی خیلی بیش از این بوده، بخشی از این مبلغ پس داده شده و بخشی هم در حال پیگیری است.

ناپدید شدن ۱۲۶ هزار تن چای در سازمان چای کشور:

مجلس بررسی عملکرد سازمان چای و موضوع ناپدید شدن ۱۲۶ تن چای در سازمان چای کشور در دوران دولت احمدی نژاد را آغاز کرد همچنین ۵۲ تن چای غیرقابل شرب انسان که باید کود می شده است نیز توزیع گردیده است. صدور حواله کیلویی برای شرکتهای پیشتازان و ایرانیان در سالهای ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ نیز توانسته ضربه سنگینی به تولید داخل وارد کند. صدور حواله برای شرکت دیگری بدون اینکه مبلغی پرداخت یا خریدی صورت گرفته باشد و همچنین عدم پرداخت مطالبات چایکاران تا به حال که دوره جدید برداشت هم صورت گرفته است از دیگر تخلفات این سازمان عنوان شده است.

تخلف ۱۳ هزار میلیارد تومانی در منطقه آزاد قشم:

مدیر منطقه آزاد قشم در دولت حسن روحانی طی مصاحبه‌ای با روزنامه شرق از تخلف ۱۳ هزار میلیارد تومانی در دولت احمدی نژاد خبر داد که مربوط به فروش زمین‌های فرودگاه قشم و بندر درگهان بوده است. به گفته وی: «۲۰ هزار هکتار از اراضی این فرودگاه را در زمان مدیریت آقای موسوی - از مدیران منصوب منطقه آزاد از سوی حمید بقایی - برای شهرک‌سازی و کاربری مسکونی، با عنوان پروژه شهرک طلایی واگذار می‌کنند. زمین را قیمت کرده و همان موقع آن را متری ۹۰ هزار تومان می‌فروشند. تحقیقات ما نشان داد زمین آن سوی خیابان - مجاور فرودگاه - همان موقع متری ۸۰۰ تا ۹۰۰ هزار تومان فروش می‌رفته است. تخلف دیگر اینکه بدون آنکه پول بگیرند، زمین را به قیمت ۱۷ میلیارد تومان و با اقساط هفت‌ساله و از دم قسط فروخته‌اند و هیچ پیش‌پرداختی در کار نبوده است.

تخلفات بنیاد شهید:

مجلس در سال ۱۳۹۲ تحقیق و تفحص از بنیاد شهید را تصویب کرد. غلامعلی جعفرزاده رئیس کمیته تحقیق و تفحص مجلس از بنیاد شهید خرداد ۱۳۹۳ در این باره می‌گوید: «حجم فسادهای مالی آنقدر زیاد است که می‌ترسیم اگر آن‌ها را افشا کنیم مردم شوکه شوند.»
گم شدن اسناد تاریخی و کتاب‌های خطی سازمان میراث فرهنگی؛
برخی از کارکنان سازمان میراث فرهنگی گزارش داده بودند که ۴۸ هزار سند تاریخی و کتاب خطی انتقال سازمان میراث فرهنگی زدر زمان ریاست حمید بقایی هنگام انتقال گم شده یا به تاراج رفته‌اند بر این آثار تاریخی در بازار سیاه ناپدید شده و دست کم ۴۸۰۰ میلیارد تومان عاید غارتگران شده است.

نتیجه گیری

در این پژوهش بر آن بودیم تا با ارائه تعریفی از فساد اقتصادی و علل و عوامل مؤثر بر گسترش آن، ضمن بیان عمده‌ترین مصادیق فساد اقتصادی و چگونگی شکل‌گیری آن، رابطه فساد اقتصادی را با مهم‌ترین متغیرهای اقتصادی که تأثیر به‌سزایی در روند توسعه اقتصادی دارند، یادآور گشته باشیم. فساد مالی و اقتصادی، روند کار بازارها و تخصیص منابع را مختل می‌کند. افزون بر این توان دولت را برای وضع مقررات کنترلی و نظارت‌های مورد نیاز برای اصلاح نقایص بازار کاهش می‌دهد. در صورتی که دولت نتواند نقش نظارتی خود را در اقتصاد ایفا کند، بی‌تردید بخشی از فلسفه وجودی خود را از دست می‌دهد. از طرف دیگر، چنانچه دولت یا دولتمردان برای سوءاستفاده و با هدف منافع در امور دخالت کنند، مانند ایجاد انحصارات دولتی برای منافع شخصی، خود به خود بر میزان مشکلات و کاستی‌ها افزوده می‌شود. همچنین فساد مالی باعث کاهش درآمدها و افزایش هزینه‌های دولتی می‌شود که در پی آن کسری بودجه دولت افزایش می‌یابد و دولت نمی‌تواند برنامه‌ریزی مالی جامع و درستی داشته باشد. فساد اقتصادی نابرابری در توزیع درآمدها را نیز افزایش می‌دهد... این موارد از جمله سوءپیامدهایی است که فساد اقتصادی به همراه خود داشته و از این طریق روند توسعه اقتصادی را در کشورهای در حال توسعه‌ای چون ایران با مشکلات عدیده مواجه می‌سازد. که این مسئله

خود نیز خود، بنا به نظریات توسعه و به ویژه توسعه متوازن که شرح آن در طول متن به تفصیل از نظر گذشت، روند توسعه سیاسی را مختل می‌سازد. فساد اقتصادی چنانچه شرح آن پیشتر گذشت به شدت با شاخص‌های اساسی دموکراسی نسبت معکوس داشته، آزادی رسانه‌ها، مطبوعات و... را محدود کرده، بر عملکرد قوه قضائیه و ساختار سیاسی کشور تأثیر منفی داشته، موجب گسترش انحصارات و رانت خواری گشته و باعث فرار مغزها شده و شایسته سالاری را تهدید می‌کند. به طور کلی باید اظهار داشت که فساد اقتصادی از جمله عواملی است که پیامدهای به شدت مخربی بر روند توسعه اقتصادی و سیاسی داشته و مصادیق و آثار آن تا حد زیادی در تجربه دولت‌های جمهوری اسلامی ایران در فاصله سال‌های ۹-۶۸ آشکار و هویداست.

منابع

- ادیب پور، مهدی و آزاده محمدی (۱۳۹۵) اثر فساد اقتصادی بر نابرابری توزیع درآمد، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال چهارم، ش ۱۴، تابستان، صص ۱۵۳-۱۶۸
- امین زاده، محسن (۱۳۷۶) توسعه سیاسی، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ش ۱۱۷ و ۱۱۸، صص ۱۱۶-۱۰۴
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۲) اجوبه الاستفناات، چاپ پنجم، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- دادگر، حسن و غلامعلی معصومی‌نیا (۱۳۸۳) فساد مالی، تهران: کانون اندیشه جوان
- ربیعی، علی (۱۳۸۳) زنده باد فساد، جامعه‌شناسی سیاسی فساد در دولت‌های جهان سوم، سازمان چاپ و انتشارات، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،
- زال پور، غلامرضا و همکاران (۱۳۸۱) بازشناسی عارضه فساد مالی، ماهیت، گونه‌ها، پیامدها و آموزه‌های تجربی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی
- سیف زاده، سید حسین (۱۳۷۵) نوسازی و دگرگونی سیاسی، تهران: نشر سفیر.
- صنیعی، سحر (۱۳۹۵) تبیین مفهوم فساد اقتصادی و سیاسی در جامعه توسعه محور، ماهنامه پژوهش ملل، دوره دوم ش ۱۵، اسفند، صص ۵۰-۳۷
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۱) حقوق جزای اختصاصی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- لطفیان، سعیده (۱۳۸۵) پیامدهای امنیتی فساد اقتصادی- سیاسی در کشورهای در حال توسعه، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۷۱، بهار، صص ۲۱۹-۱۸۷
- محمودی، وحید (۱۳۸۲) فساد اقتصادی و توسعه، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ش ۱۸۹ و ۱۹۰، خرداد و تیر، صص ۲۴۵-۲۳۶
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۴) جزوه جرم‌شناسی، بزهکاری، اقتصادی، دوره تحصیلی ۱۳۶۴۸۵-۱۳۸۴، تهران، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی (ره)
- نصیری، حسین (۱۳۷۹) توسعه پایدار چشم انداز جهان سوم، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه
- هادیان، ابراهیم (۱۳۸۲) «پولشویی و اثرات اقتصادی آن» مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات همایش بین‌المللی مبارزه با پولشویی، تهران: نشر وفاق.
- وبر، ماکس (۱۳۷۳) اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری، ترجمه عبدالکریم رشیدیان و پریسا منوچهری کاشانی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- Palmier, L. "Corruption In India", (۱۹۷۵). New Society ۵, June, Pp.۵۷۷-۵۷۹.